

آینده هویتهای فرهنگی جمعی با استفاده از روش شبیه‌سازی کامپیوتری

مسعود عالمی

چکیده

در پژوهش حاضر ابعاد مسأله «عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی» و برجستگی هویت‌های فرهنگی دینی، ملی، قومی درون‌مرزی و قومی فرامرزی در زمان حال، با استفاده از روش پیمایش در میان مردم عرب خوزستان مورد بررسی قرار گرفته و سپس با استفاده از روش شبیه‌سازی و ساختن مدل کامپیوتری جامعه واقعی، به پیش‌بینی تأثیر آزادی‌های مدنی، جهانی‌سازی، ارتباطات درون‌ملی، ارتباطات فراملی - فرصت یکسان، ارتباطات فراملی - فرصت متفاوت و نیز تأثیر تعاملی ارتباطات درون‌ملی و آزادی‌های مدنی بر روی وضعیت پدیده «عدم برجستگی هویت فرهنگی» و برجستگی هویت‌های فرهنگی مختلف، در آینده مردم مذکور پرداخته شده است. نتایج به دست آمده حکایت از تأثیر معنی‌دار متغیرهای مستقل ذکر شده، بر روی آینده هویتهای فرهنگی دارد. مدل کامپیوتری ساخته شده و چهارچوب نظری به کار رفته بر مبنای تئوری‌های سازه‌گرایی اجتماعی می‌باشند.

کلید واژه‌ها: برجستگی هویت فرهنگی جمعی، هویت فرهنگی دینی، هویت فرهنگی ملی، هویت فرهنگی قومی درون‌مرزی، هویت فرهنگی قومی فرامرزی، سازه‌گرایی اجتماعی، شبیه‌سازی کامپیوتری، مدل PS-I، آزادی‌های مدنی، جهانی‌شدن، ارتباطات درون‌ملی، ارتباطات فراملی - فرصت یکسان، ارتباطات فراملی - فرصت متفاوت.

مقدمه

هویت‌های فرهنگی جمعی به عنوان شکل‌دهنده بخش اعظم مفهوم - خود ایرانی‌ها (Ting-Toomey, 2000) از اهمیت فوق‌العاده‌ای در حیات فرهنگی مردم برخوردار است. از جمله مسائلی که به خصوص در میان نسل‌های جدید رو به فزونی است، عدم اعتقاد و تعهد به هیچ یک از هویت‌های جمعی

است که در این مقاله با عنوان «عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی» شناخته می‌شود. به عبارت دیگر مفهوم - خود آن‌ها به دلیل فقدان برجستگی هویت‌های جمعی عمده، دچار آسیب جدی است.

از سوی دیگر چنین افرادی نسبت به همه عناصر فرهنگی، فکری، تربیتی، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای جمع‌ها و گروه‌هایی که عضو آن‌ها هستند، هیچ اعتقاد و تعهدی ندارند. در واقع آن‌ها همه تجربه بشری نسل‌های گذشته خود را، چه مفید و چه غیرمفید، کنار می‌گذارند و حافظه فرهنگی خویش را آگاهانه از دست می‌دهند و لذا دچار نوعی عقب‌گرد فرهنگی خواهند شد.

فرضیه نگارنده آن‌است که تعداد این افراد از نسبت بالایی برخوردار نیست، بلکه سؤال اصلی آن‌است که آیا در آینده این موضوع تبدیل به مسأله اجتماعی خواهد شد یا خیر؟ در واقع رویکرد ما پیش‌بینی مسأله اجتماعی قبل از وقوع آن‌است.

از سوی دیگر هویت‌های فرهنگی جمعی به خودی خود، در سطح کلان، نقش بسیار کلیدی در انسجام اجتماعی و وحدت میان آحاد جامعه بازی می‌کند، به طوری که نسبت هویت‌های گسترده‌تر و جزئی‌تر و نیز برجستگی هویت‌های قومی، ملی و دینی در مقایسه با یکدیگر و چگونگی تحولات آن‌ها از مسایل جدی کشور است. لذا سؤال بعدی آن‌است که وضعیت برجستگی هویت‌های دینی، ملی و قومی در جامعه تحفیق طی سال‌های آتی چه خواهد شد؟

به طور مشخص سؤال آن‌است که هویت‌های فرهنگی تعیین‌کننده و اصلی کشور، یعنی هویت‌های دینی، ملی و قومی و نیز «عدم برجستگی هویت»، تحت تأثیر روندهای محتمل الوقوع سال‌های آتی؛ جهانی‌سازی، ارتباطات درون ملی، ارتباطات فراملی و دمکراسی دچار چه تحولاتی خواهند شد؟ یعنی رو به ضعف خواهند رفت یا رو به شدت؟

همان‌گونه که بیان مسأله نشان می‌دهد، تأکید این مقاله بر بعد فرهنگی هویت‌های دینی، ملی و قومی است.

واکاوی ادبیات

متغیر و ثابت بودن هویت‌های جمعی از سوی دو پارادایم سازه‌گرایی اجتماعی^۱ و منشاگرایی^۲ مورد مناقشه می‌باشد. در سازه‌گرایی اجتماعی، که فردریک بارث، مشهورترین و پرنفوذترین نظریه‌پرداز آن است، هویت جمعی محصول تعاملات اجتماعی، سیال، متغیر، چندگانه و انتخابی است. به عبارت دیگر بر اساس این پارادایم، افراد دارای چند (و نه یک) هویت جمعی هستند، که برجستگی و محتوای آن‌ها تحت تأثیر تعاملات اجتماعی و انتخاب افراد تغییر می‌کند (Llobera، ۱۹۹۹؛ Sykora، ۲۰۰۲؛ Moore، ۱۹۹۵؛ Freeman، ۱۹۹۸). در نقطه مقابل، طرفداران منشاگرایی از جمله کلیفورد گیرتز و هارولد ایزاکس، هویت‌های جمعی را دارای منشأ طبیعی می‌دانند و آن‌ها را بدون تغییر، ثابت و اجباری در نظر می‌گیرند. (Llobera, 1999: 3-4)

در منشاگرایی، تغییر هویت‌ها متصور نیست، لذا از این منظر جستجوی علل تغییر در هویت‌های جمعی امری بیهوده است. اما در پارادایم سازه‌گرایی، علل ایجادکننده و تغییردهنده هویت‌ها و عواملی که به انتخاب یک هویت به عنوان هویت برجسته منجر می‌شوند و در قالب تئوری‌های گوناگون مطرح شده‌اند، در سه سطح مطرح هستند؛ خرد، میانه و کلان.

سطح کلان

عوامل محیطی: پاول کاورت بر سه فرایند شکل‌دهنده، نگهدارنده، و تغییردهنده هویت‌های جمعی تمرکز می‌کند: ۱. اکولوژیک؛ ۲. اجتماعی؛ ۳. درونی (شکل ۲-۳) (Kowert, 1996: 16).

فرایندهای اکولوژیک ناشی از کنش متقابل الگو یافته کنشگران و محیط آن‌ها می‌باشد. در برخی موارد کنشگران با یک محیط با تغییرات قابل توجه^۳ مواجه هستند، که موجب تضعیف تعهد به هویت‌های موجود می‌گردد (Ibid: 18). پیوستگی و استمرار محیط برای یک هویت به طوری که مدت‌ها مورد چالش قرار نگیرد، موجب تقویت و سخت شدن آن می‌گردد (Ibid) و در نهایت بر اساس آزمایش‌های مظفر شریف در سال ۱۹۳۹، توافق جمعی و هنجاری در موقعیت‌های مبهم (فاقد چهارچوب مرجع روشن) آسان‌تر از موقعیت‌های صریح و روشن است (این فرضیه در عالم سیاست نیز تأیید شده است). (Ibid: 16-17)

1. social Constructionism
2. primordialism
3. dramatically

قضایای اختلال نمادی: اختلال نمادی چیست؟ چلیبی اختلال نمادی را ضعف در احساسات، پنداشت‌ها، رموز و اصول مشترک می‌داند (چلیبی، ۱۳۷۵: ۱۳۵). اختلال نمادی در سطح کشور باعث می‌شود تا هویت ملی ضعیف شود. برخی از قضایای یازده گانه چلیبی درباره اختلال نمادی به شرح زیر می‌باشد:

۱. گسترش ارتباط جمعی بر وحدت نمادی اثر دوگانه دارد. بسط ارتباطات درون‌ملی باعث تقویت وحدت نمادی می‌شود و بالعکس گسترش ارتباطات در سطح فراملی باعث تضعیف وحدت نمادی جامعه می‌گردد (همو: ۱۴۲).

۲. استبداد سیاسی به صورت مختلف ابهام و ابهام معنایی را گسترش می‌دهد و از این طریق مانع روانی روابط گفتگومانی در جامعه می‌شود و بدین ترتیب تولید اختلال نمادی می‌کند (همو: همان‌جا).

روابط میان فرهنگی: هنگامی که گروه‌های فرهنگی مختلف، مدت زمان طولانی با هم در تماس باشند، دچار فرایندهای تغییرات گوناگون خواهند شد، که «فرایند فرهنگ پذیری» نامیده می‌شود (Piontkowski, 2000:2). بری معتقد است فرآیندهای فرهنگ پذیری در چند مرحله رخ می‌دهند. اول، تماس با فرهنگ مورد نظر؛ دوم، احساس تضاد به دلیل تفاوت‌ها؛ سوم، تعدیل در فرهنگ اصلی برای کاهش تضاد. بری تلاش‌هایی را که برای رسیدگی به این تضاد صورت می‌گیرد، به عنوان استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری مفهوم‌سازی می‌نماید. وی استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری را چهار نوع عنوان می‌کند: یکسانی،^۱ اتلاف،^۲ حاشیه روی^۳ و جدایی^۴ (Pham, 2001: 281).

توسعه و هویت: درباره تأثیر توسعه بر روی بحران‌های قومی، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: اول، طیف وسیعی از نظریه‌پردازان قدیم که توسعه و نوسازی را عامل کاهش منازعات قومی می‌دانسته‌اند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

دوم، نظریه‌پردازانی جدید که با تغییر صد و هشتاد درجه‌ای، فرایند مدرنیزاسیون را موجب آگاهی گروه‌های قومی دانسته‌اند که در مقابل هویت ملی و جهانی، به مقاومت دست می‌زنند (همو: ۱۴۵). نمونه بارز این تغییر جهت در نظریات سابق، در دیدگاه‌های گابریل ای. آلموند، جیمز اس. کلمن و لوسین دلبیو. بای، سه

1. assimilation

2. integration

3. marginalization

4. separation

تن از نظریه‌پردازان شاخص مسائل توسعه، و نیز واکر کارنر، کومار روپزینگه و سیکورات، قابل رؤیت است (همو: همان‌جا).

سوم، نظریه‌پردازی‌های مرحله‌گذار که هسته اصلی آن‌ها مبتنی بر این امر است که جوامع سنتی و جوامع صنعتی با مشکلات و تنگناهای کمتری از جمله هویت خواهی‌های قومی و مسایل متلاویه آن، مواجه‌اند. سرشت در حال دگرگونی و تحول‌پذیر جوامع در حال گذار، فضا و شرایط مساعدتری را برای بروز بحران‌های گوناگون مهیا می‌سازد (همو: ۱۴۹-۱۴۸). نسخه‌های تجویزی گابریل آلموند، لئونارد بایندر و لوسین پای به عنوان نظریه‌پردازان «توسعه و نوسازی» در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نیز، با این رویکرد پیچیده شده است (همو: ۱۵۰).

چهارم، از دهه ۱۹۸۰، از سوی برخی پژوهشگران، گفتمان جدیدی تحت عنوان «فرانوگرایی» در مقابل اندیشه نوگرایی پدیدار شد که امکان بروز و تشدید چالش‌های قومی را در دوران نوین، به دلیل ظهور فردگرایی مفرط و عدم تمایل به تطبیق با نظم اجتماعی که زمینه‌ساز وسواس هویت، نژادپرستی و عدم تحمل و تسامح با دیگران است، مطرح می‌نماید (همو: ۱۵۱).

دموکراسی: او اشمیت هارتمان، گی ارمه، دونالد هورویتز، آرنلد لیپهارت، دیوید ولش و رنه دو نوور، دموکراسی در جوامع چندقومی را در مراحل آغازین خویش و پس از حذف استبداد سیاسی پیشین، موجب افزایش مناقشات قومی می‌دانند (همو: ۴۱ و ۴۳).

شهروندی: در عصر کنونی، عدم استقرار نظام شهروندی برابرطلب، زمینه‌ساز بروز بحران‌های قومی است (همو: ۵۴). از بعد روانشناسی اجتماعی در جوامع چندقومی، این احساس مهم‌ترین بستر نارضایتی، تنش، بحران و منازعه محسوب می‌شود (همو: ۵۵).

استقرار جامعه مدنی: جامعه مدنی با طرد یکسان‌سازی^۱ و همانندسازی قومی و ذوب فرهنگ‌ها خود کثرت‌گرایی فرهنگی را تأیید کرده و به رسمیت شناخته و تعامل اجتماعی گروه‌های قومی در جوامع چندفرهنگی را سمت و سوی مسالمت آمیز می‌بخشد (همو: ۶۰).

رسانه‌ها و ارتباطات: مک کورمک شواهدی ارائه می‌دهد، مبنی بر این که رسانه‌های همگانی دارای این توانایی هستند که در اقلیت‌های اجتماعی، از طریق آمیزش بسیاری از خصوصیات ارزشی و اعتقادی آنان،

ترکیب مشترکی از هویت واحد به وجود آورند که عامل مهمی در فرایند «ملت سازی» و حذف بحران‌های قومی به شمار می‌رود (همو: ۴-۱۸۳).

رویکردی دیگر که واگر کارنر از جمله مهم‌ترین نظریه پردازان آن می‌باشد، بر این نکته تأکید دارد که گسترش ارتباطات به همگونی بیشتر فرهنگی نمی‌انجامد، بلکه احتمالاً سبب افزایش آگاهی‌های فرهنگی گروه‌های قومی و آشنایی به وجود تفاوت‌ها و اختلاف‌های میان‌قومی می‌شود. خلاصه این‌که به باور کارنر، ارتباطات درون‌قومی و میان‌قومی، هر دو نقش مهمی در خلق آگاهی قومی ایفاء می‌کنند (همو: ۱۸۵-۱۸۴).

دیوید جی. الکنیس در همین رویکرد، تکنولوژی‌های نوین ارتباطی را موجب خلق «جوامع قومی مجازی» می‌داند. به باور وی، در دیدگاه متعارف، «ظرف زمانی» مهم‌ترین عنصر لازم برای ساخت جوامع قومی محسوب می‌گردد. یا به عبارت ساده‌تر، جوامع قومی در طول زمان ساخته می‌شوند، حال آن‌که ساخت جوامع مجازی قومی، محصول تکنولوژی‌های ارتباطی در دوران کنونی جهان است.

مومبشورا در ابتدای تحقیق خود درباره آفریقا این فرضیه را مطرح می‌کند که اگر کنش متقابل اجتماعی میان گروه‌های قومی افزایش یابد، قومیت برجستگی خواهد یافت. با وجود این در انتها اذعان می‌کند، افزایش کنش متقابل اجتماعی میان گروه‌های قومی، بسته به موقعیت، برجستگی‌های قومی مختلفی را ایجاد می‌کند که بستگی دارد به زمینه‌های اجتماعی-سیاسی، موضوعات مورد درگیری، تعریف-خودها و تعریف‌های توسط دیگران که قابل دستکاری هستند (Mombeshora, ۱۹۹۰). به این ترتیب تنها می‌توان گفت میان کنش متقابل قومیت‌ها و برجستگی هویت قومی ارتباط وجود دارد، ولی جهت آن شفاف نیست.

نظریه مرکز پیرامون: نظریه مرکز-پیرامون به عنوان مهم‌ترین جزء «مدل نظام جهانی» محصول آرا و اندیشه‌های امانوئل والرستین، آندره گوندر فرانک، فرناند برودل و سمیر امین است (همو: ۱۳۴). اگر یک روی نظریه مرکز-پیرامون، جهانی شدن نظام سلطه یا به تعبیر گوندر فرانک «مک‌دونالدی شدن» و «جهانی شدن» شیوه زندگی آمریکایی باشد که جهان را از طریق استعمار و استثمار به صورت واحدی در آورده است، روی دیگر آن «جهاد علیه دنیای مک‌دونالد» و مقاومت در برابر یکسان‌سازی و روی آوردن به هویت‌های محلی است (همو: ۱۳۶).

سطح میانه

نظریه هویت اجتماعی: دیدگاه هویت اجتماعی با کارهای تاجفل و ترنر آغاز گردید (Abrams, 1990). در ادامه همین شیوه، ترنر تئوری دیگری به نام تئوری طبقه‌بندی- خود^۱ ایجاد کرد (Hogg, 1990). در این تئوری هر فرد ممکن است همزمان به جمع‌ها و هویت‌های متعددی متعلق باشد (Moore, 1995: 390) که این هویت‌های جمعی در یک سلسله‌مراتب شمولیت سازماندهی شده‌اند (مانند سطح مافوق: انسان، سطح میانه: آمریکایی و سطح مادون: اهل جنوب آمریکا) (Stets, 2000: 231). از مدعیات اصلی این سنت تئوریک، پارادایم گروه حداقلی^۲ است، مبنی بر این که اگر افراد بر پایه معیارهای اختیاری و ناچیز، به گروه‌های متمایز طبقه‌بندی شوند، حتی تحت این شرایط حداقلی افراد در تخصیص پاداش‌ها به نفع درون-گروه عمل می‌کنند (Howard, 2000: 369). ترنر و همکاران وی معتقدند هویت- خود افراد در یک زمینه اجتماعی ویژه از اصل فراتابین^۳ نشأت می‌گیرد. بر اساس این اصل هر قدر نسبت تفاوت درون‌گروهی به تفاوت بین‌گروهی در ابعاد معین از صفر به یک نزدیک می‌شود، مرز گروه [با بیرون آن] مبهم‌تر خواهد شد و افراد عضویت در گروه‌های مربوطه را قابل تعویض خواهند دانست (Fu, 1999: 200-201). او آکس از دیگر نظریه‌پردازان این تئوری، برجستگی یک هویت معین را تحت تأثیر تعاملی میان قابلیت دسترسی و برآزش می‌داند (Hogg, 1990: 22).

نظریه هویت: ریشه‌های تئوری هویت به نوشته‌های جرج هربرت مید در مکتب کنش متقابل نمادین برمی‌گردد. در یک فرم ساده، فرمولی که چهارچوب مید ارائه می‌دهد، این است: «جامعه «خود» را شکل می‌دهد، و «خود» رفتار اجتماعی را» (Stryker, 2000: 285).

بر مبنای فرمول چهارچوب مید، دو دسته نظریه یا تئوری هویت می‌توان سراغ گرفت. منظر اول، بر آزمودن چگونگی تأثیر ساختارهای اجتماعی بر ساختارهای خود و چگونگی تأثیر ساختار خود بر رفتار اجتماعی تمرکز

1. self-Categorization Theory
2. superordinate level
3. intermediate level
4. subordinate level
5. minimal Group Paradigm
6. metaContrast
7. identity Theory

دارد، در حالی که منظر دوم بر دینامیک درونی فرایندهای خود هنگامی که رفتار اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، متمرکز می‌شود (Stryker, 2000: 285).

در منظر اول که با کارهای استرایکر و همکارانش ارائه شده است، دو مفهوم اساسی وجود دارد: برجستگی هویت و تعهد^۱. برجستگی هویت یعنی احتمال آنکه [برای یک فرد] یک هویت معین در موقعیت‌های گوناگون، به بازی طلب خواهد شد یا فراخوانده خواهد شد (Stryker, 1992: 873). وقتی می‌گوییم فرد به برخی شبکه‌های اجتماعی متعهد است، می‌گوییم ارتباط او با دیگر اعضای آن شبکه بستگی به اجرای نقش‌های ویژه و داشتن هویت‌های ویژه دارد. به اندازه‌ای که روابط فرد با دیگران خاص بستگی به شخص خاصی بودن دارد، فرد متعهد است که آن نوع خاص از شخص باشد (Stryker, 2000: 873-4). تعهد از لحاظ تحلیلی از دو بعد کمی و کیفی برخوردار است (Stets, 2000: 230; Stryker, 1992: 874).

یکی از مهم‌ترین نظریاتی که در این منظر دوم مطرح شده، تئوری سیستم کنترل برک است. طبق نظریه هویت، فرایند هویت یک سیستم کنترل می‌باشد. یک هویت مجموعه‌ای از «معانی» است که در یک نقش یا موقعیت اجتماعی به خود بسته می‌شود و کیستی هر فرد را معنی می‌کند. این معانی به عنوان استاندارد یا مرجع برای کیستی اشخاص به کار برده می‌شوند. هنگامی که هویتی فعال می‌شود، یک حلقه بازخورد^۲ ایجاد می‌شود. این حلقه چهار عنصر دارد: اول استاندارد^۳ یا «چینش»^۴ (مجموعه‌ای از معانی - خود)، دوم ورودی^۵ از محیط یا موقعیت اجتماعی (شامل ارزیابی‌های انعکاسی فرد؛ یعنی ادراکات معانی مرتبط با خود)، سوم فرایندی که ورودی را با استاندارد مقایسه می‌کند (مقایسه‌کننده) و چهارم خروجی^۶ به محیط (رفتار معنادار) که محصول مقایسه است. این سیستم در تلاش برای تغییر ورودی (ارزیابی‌های انعکاسی) و انطباق آن با استاندارد درونی، خروجی (رفتار) به موقعیت اجتماعی را اصلاح می‌نماید. در این مفهوم، سیستم کنترل هویت دارای یک هدف تطبیق ورودی محیطی با استانداردهای درونی پنداشته می‌شود. آنچه که این سیستم سعی در کنترل آن دارد، ورودی است (Burke, 1991: 837).

1. cor. amitment
2. feedback loop
3. standard
4. setting
5. input
6. output

سطح خرد

از نگاه تئوری‌های سطح خرد که به علل سطح فردی توجه دارند، شکل‌گیری و تحول هویت‌های جمعی، در تلاش انسان‌ها برای برقراری تعادل میان دو نیاز تمایز و یکسانی با دیگران (تئوری تمایز بهینه)^۱ (Brewer, 1999: 187-8) و یا در به حداکثر رساندن منافع روانی یا عینی خویش (تئوری انتخاب عقلانی) (Hardin, 1995: 16) و یا هنگامی که برچسب صادر شده از سوی دیگران را درونی می‌نمایند (نظریه برچسب‌زنی) (Jenkins, 1996: 77) تبیین می‌گردد.

چهارچوب نظری

از آن‌جا که هدف ما بررسی تأثیر روندهای کلان بر هویت‌های جمعی است، تنها از تئوری‌های سطح کلان جهت فرضیه‌سازی استفاده نموده‌ایم، اما کلیت تئوری‌های خرد، میانه و کلان در راستای تبیین مبانی نظری ابزارهای روش شناختی به کار رفته، یعنی مدل‌های شبیه‌سازی به کار خواهند رفت.

پیش از بیان فرضیه‌ها، متغیرهای مستقل و وابسته را معرفی و تعریف مفهومی آن‌ها را ارائه می‌کنیم. برجستگی هویت فرهنگی دینی، برجستگی هویت فرهنگی ملی، برجستگی هویت فرهنگی قومی درون‌مرزی، برجستگی هویت فرهنگی قومی فرامرزی و عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی متغیرهای وابسته هستند.

برجستگی هویت فرهنگی جمعی، مفهوم مشترک و محوری متغیرهای فوق است و هر یک مربوط به یک جمع ویژه (معتقدین به دین، ملت، قومیت) می‌باشد، لذا در سطور بعدی مفاهیم «هویت فرهنگی جمعی»، «برجستگی هویت» و در نهایت دو مفهوم نسبتاً مبهم ملت و قومیت را تعریف می‌نماییم.

تعریف هویت فرهنگی جمعی: با توجه به تئوری هویت فرهنگی کالیر (Collier, 1998: 130)، دیدگاه ماتئوس درباره بازار فرهنگی جهانی (Mathews, 2000)، تعریف کیم (Kim, 2001: 49) هویت فرهنگی (یا همان هویت فرهنگی جمعی) در واقع هویت جمعی با تأکید بر بعد فرهنگی است. لذا تعریف نگارنده از «هویت فرهنگی جمعی» ترکیبی است از تعریف «هویت جمعی» و «فرهنگ».

در بررسی ادبیات «هویت جمعی» با تعاریف و برداشت‌های گوناگونی از این اصطلاح مواجه شدیم. تاجفل به عنوان بنیانگذار نظریه هویت اجتماعی (Jackson, 1999: 120)، ترنر (Hogg, 1990: 10) و نیز

او آکس، هاسلم، هوگ، دیوکس در تئوری طبقه‌بندی - خود (Jackson, 1999: 121-3) استرایکر (Stryker, 1992: 873) و برک (Burke, 1991: 837) در تئوری هویت، لاولر در تئوری فرایند انتخاب (Lawler, 1992: 328)، پرور در تئوری تمایز بهینه (Brewer, 1999: 187) ماتوس (Mathews, 2000: 17)، مور (Moore, 1995: 387)، استس (Stets, 2000: 226)، هوارد (Howard, 2000: 368)، فینی (Ting-Toomey, 2000: 50) و دیگر نظریه پردازان و محققان این حوزه از جنبه‌های گوناگون هویت جمعی را تعریف نموده‌اند. هر یک از این اندیشمندان بخش و وجهی از مفهوم «هویت جمعی» را روشن ساخته‌اند، و اگر عناصر این تعاریف را در کنار یکدیگر قرار دهیم، مکمل همدیگر خواهند بود.

از سوی دیگر در ادبیات مرتبط، طیف وسیعی از تعاریف مفهومی مختلف از «فرهنگ» وجود دارد. در یک طرف طیف، تعریف انسان‌شناسان کلاسیک وجود دارد که فرهنگ را در معنای وسیعی معادل «سبک زندگی» تعریف می‌کنند و در طرف مقابل کرویر و پارسونز قرار دارند که فرهنگ را اندیشه‌ها و ارزش‌ها می‌دانند (چلبی، ۱۳۷۵: ۵۴).

با این نگاه ترکیبی به تعریف «هویت جمعی»^(۱) و برگزیدن تعریف چلبی از فرهنگ^(۲) در میان تعاریف گوناگون، سازه مفهومی «هویت فرهنگی جمعی» را بدین ترتیب تعریف می‌نمایم که کسی که هویت فرهنگی جمعی داشته باشد: ۱. عضو جمع معین / گروه خاصی است؛ ۲. از عضویت خود آگاه است؛ ۳. این عضویت بخشی از تصور از خود به لحاظ فرهنگی می‌شود. هم فرد چنین تصویری از خود دارد و هم دیگران او را این گونه تعریف می‌کنند. این عضویت مثبتی است بر: ۴. با سایر اعضای درون گروه، از لحاظ برخی ویژگی‌ها شامل نژاد، رنگ پوست، سرزمین، زبان، تاریخ و ... شباهت دارد؛ ۵. با افراد بیرون گروه از لحاظ همین ویژگی‌ها تفاوت دارد؛ ۶. از لحاظ شباهت و تفاوت، نسبت به فضای درون گروه / بیرون گروه درک دارد؛ ۷. ارزیابی احساسی مثبت نسبت به گروه و بنابراین فرهنگ گروه دارد. برای مثال نسبت به نمادهای فرهنگی گروه هزینه احساسی می‌پردازد؛ ۸. ارزیابی احساسی مثبت نسبت به عضویت در گروه دارد و آن را گرمایی می‌شمارد؛ ۹. صاحب آگاهی درباره فرهنگ گروه است. برای مثال درباره گروه قومی، شامل آشنایی با زبان، تاریخ، آداب و رسوم، موسیقی، شعر و ادب آن قومیت آگاهی دارد؛ ۱۰. از سرنوشت فرهنگی مشترک (شامل گذشته، حال و آینده) درک دارد. یک فرد متولد ایران و دارای هویت ایرانی، موسیقی ایرانی را موسیقی خود و تاریخ این سرزمین را تاریخ خود می‌داند. و از اعیان، ادراک مشترک با بقیه اعضای درون گروه دارد که

در قالب موارد ذیل نمود پیدا می‌کند: ۱۱. جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های مشترک با اعضای درون گروه و متفاوت از برون گروه (برای مثال خاص‌گرایی، پدرسالاری و ...)؛ ۱۲. گرایش‌ها و ترجیحات مشترک با اعضای درون گروه و متفاوت از برون گروه (برای مثال گرایش به غذای ایرانی، موسیقی ایرانی و ...)؛ ۱۳. هنجارها و رفتارهای مشترک با اعضای درون گروه و متفاوت از برون گروه (برای مثال آداب و رسوم، شیوه‌های رفتار با دیگران و ...)؛ ۱۴. چهارچوب شناختی مشترک با اعضای درون گروه و متفاوت از برون گروه (برای مثال نظام دانش و معنا، برداشت‌ها، معانی نمادها، جهان بینی و ...).

برجستگی هویت: در این پژوهش دیدگاه «تئوری هویت» را در تعریف برجستگی هویت برگزیده‌ایم. برجستگی هویت، در این تئوری بدین ترتیب تعریف می‌شود: احتمال آن که [برای یک فرد] یک هویت معین در موقعیت‌های گوناگون، به بازی طلب شود یا فراخوانده شود؛ یا اگر بخواهیم به گونه‌ای دیگر تعریف کنیم، احتمال متفاوت میان افراد، که یک هویت معین در یک موقعیت معین فراخوانده شود (Stryker, 1992: 873). توضیح آن که «هویت برجسته» در فرد، به هویتی اطلاق می‌شود که از برجستگی بیشتری نسبت به سایر هویت‌های جمعی برخوردار باشد.

عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی: مقصود نگارنده از «عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی»، آن است که همه هویت‌های فرهنگی جمعی در فرد برجستگی پایین دارند. این مفهوم بسیار به مفهوم حاشیه‌روی در نظریه بری به عنوان یکی از استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری نزدیک است. همان‌طور که شرح داده شد، در این تحقیق، هویت‌های در نظر گرفته شده شامل هویت‌های دینی، ملی، قومی درون‌مرزی و قومی فرامرزی می‌باشند. بنابراین به صورت دقیق‌تر و در این تحقیق، «عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی» یعنی آن که هویت‌های فرهنگی دینی، ملی، قومی درون‌مرزی و قومی فرامرزی، دارای برجستگی پایین باشند.

ملت: مفهوم ملت، در میان متفکران این حوزه بسیار مورد اختلاف و بحث بوده است. رویکرد نسبت به ریشه و منشأ ملت، موجب این اختلاف در تعریف است.

سه رویکرد درباره ریشه ملت‌ها را می‌توان مورد توجه قرار داد. رویکرد اول نزد متفکرانی همچون جان آرمسترانگ که بر ریشه تاریخی و قومی ملت‌ها تأکید دارند؛ رویکرد دوم نزد بندیکت اندرسون، ارنست گلنر و اریک هابزبام، که طرفدار منشأ مدنی و مدرن بودن ملت می‌باشند؛ رویکرد سوم نزد آنتونی اسمیت که معتقد است ملت‌ها عناصر قومی و مدنی-سرزمینی را در کنار همدیگر دربردارند. این مطلب از تعریف وی از ملت

روشن می‌شود: «مردم مذکور، دارای سرزمین تاریخی مشترک، افسانه‌ها و حافظه‌های تاریخی مشترک، فرهنگ عمومی و توده‌ای، اقتصاد مشترک و حقوق و وظایف قانونی مشترک برای همه اعضا می‌باشند» (Leoussi, 2001: 216). درباره منشأ ملت، شاید هر سه رویکرد برای مواردی خاص مصداق داشته باشد. برخی ملت‌ها واقعاً ادامه قومیت تاریخی خویش هستند، و برخی دیگر ساخته فرایند مدرنیزاسیون می‌باشند. بدین لحاظ دیدگاه نگارنده نسبت به تعریف ملت بسیار به دیدگاه اسمیت که دیدگاهی ترکیبی می‌باشد، نزدیک است.

قومیت: پس از مطالعه تعاریف ویر (Alba, 1992: 575)، کوپر (چلبی، ۱۳۸۰: ۱۳)، مومبشورا (Mombeshora, 1990: 433)، شیواتانی و کوان (چلبی، ۱۳۸۰: ۱۲)، تعریف آلبا را که تعریفی ترکیبی و جامع جوانب گوناگون است، برگزیدیم. او معتقد است علی‌رغم تمامی عدم توافقی‌هایی که در تعریف قومیت وجود دارد، تعدادی ویژگی وجود دارد که به طور عام به عنوان علائم^۱ قومیت شناخته شده‌اند. با وجودی که تمامی این ویژگی‌ها در همه قومیت‌ها وجود ندارد، اما اکثر آن‌ها را می‌توان سراغ گرفت. قومیت‌ها ویژگی‌هایی را شامل می‌شوند که در میان اعضای گروه مشترک هستند، مثل خاستگاه جغرافیایی، زبان، مذهب، سنت‌ها، فولکلور، موسیقی و الگوهای سکونت یکسان یا مشابه. همچنین نوعاً ویژگی‌های دیگری نیز وجود دارند: ملاحظات سیاسی ویژه، به‌خصوص با توجه به موطن،^۲ همچنین نهادهایی (مثل کلوب‌های اجتماعی) که به گروه خدمات می‌دهند، و نیز آگاهی از کیفیت یا درک از تمایز با دیگران (Alba, 1992: 575).

تفاوت هویت قومی درون‌مرزی و فرامرزی: نگارنده اصطلاح‌های هویت‌های قومی درون‌مرزی و فرامرزی را وضع نمود تا میان تعلق به عرب‌های درون مرز و هموطن، و تعلق به همه عرب‌ها، چه این طرف و چه آن طرف مرز در کشورهای عربی همسایه و در کلیه نقاط جهان، تمایز قابل شود. درباره متغیرهای مستقل باید گفت؛ این پژوهش به بررسی تأثیر «آزادی‌های مدنی»، «جهانی‌سازی»، «ارتباطات فراملی با فرصت یکسان»، «ارتباطات فراملی با فرصت متفاوت» و «ارتباطات درون‌ملی» بر فراوانی برجستگی و فعال شدن هویت‌های فرهنگی می‌پردازد. در واقع با استفاده از مدل کامپیوتری قصد آن داریم تا

1. hallmarks
2. homeland

میزان و چگونگی تأثیر علل و عوامل فوق بر روی برجستگی هویت‌ها در میان مردم عرب خوزستان برای آینده پیش‌بینی نمی‌ایم؛ برای مثال افزایش آزادی‌های مدنی چه تأثیری بر آینده‌هویت قومی درون مرزی در میان این مردم خواهد داشت؟

یکی از علل انتخاب این متغیرها جهت پیش‌بینی تأثیر آن‌ها، احتمال بالای رخ دادن آن‌ها در آینده (همانند ارتباطات فراملی و جهانی‌سازی) و یا اصرار برخی از برنامه‌ریزان فرهنگی بر پیش بردن کشور به سوی آن‌ها (همانند آزادی‌های مدنی) می‌باشد.

برای پرهیز از اطاله‌نویشتار، از میان متغیرهای مستقل، تعریف مفهومی جهانی‌سازی که از ابهام و عدم توافق بالایی در میان متفکران برخوردار است، ارائه می‌گردد.

جهانی‌سازی^۱: تولمین (Toulmin, 1999: 906)، باومن (Bauman, 1998: 9)، آندرسون و واترز (Anderson, 1999: 899) هر یک در تعاریف خویش به وجه یا وجوهی از پدیده جهانی‌شدن توجه نموده‌اند؛ با در نظر گرفتن اجزای تعاریف مختلف، نگارنده جهانی‌سازی را این‌گونه تعریف می‌کند: افزایش تعداد، سرعت، متوسط فاصله جغرافیایی و شدت تعاملات در سطح کره‌خاکی میان افراد، نهادها، سازمان‌ها، کشورها و کلیه عاملان نوع بشر. این تعاملات می‌تواند در انواع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باشند. همچنین همان‌طور که در حوزه‌های تعاملی کوچک‌تر از کل کره‌خاکی (محل، شهر، کشور و ...) تعامل دارای انواع همکاری، رقابت، دشمنی و ... می‌باشد، در دهکده جهانی نیز وضع به همین گونه است. و به همین دلیل لذت بردن از موسیقی همدیگر و رقابت‌های المپیک، و جوه گوناگون از جهانی‌شدن هستند و برخلاف نظر تولمین هیچ‌گونه ابهامی را ایجاد نمی‌نمایند.

در توضیح تعریف فوق، افزایش متوسط فاصله جغرافیایی به این معناست که در گذشته اکثر تعاملات با طرف‌هایی صورت می‌گرفت که در فاصله‌ای نزدیک قرار داشتند، و برای مثال مردم کشور ما حداکثر برای انجام فریضة حج به مکه می‌رفتند و با مردم آن‌جا تعامل داشتند، اما امروزه این فاصله افزایش یافته، به گونه‌ای که از طریق اینترنت به راحتی می‌توانیم با دوردست‌ترین نقاط دنیا تعامل داشته باشیم. افزایش شدت تعاملات به معنای افزایش حجم آن چیزی است که مورد تعامل قرار می‌گیرد. برای مثال در تعاملات اقتصادی، اگر در

1. globalization

گذشته تجارت در حد چند کاروان یا کشتی در سال بوده، اکنون ارزش مبادلات به ارقام نجومی رسیده و کشتی‌های غول‌پیکر حجم عظیم کالا را به راحتی جابجا می‌کنند.

ارتباطات درون‌ملی به ارتباطاتی گفته می‌شود که میان مردم کشورمان در داخل صورت می‌پذیرد. ارتباطات فراملی، به ارتباط مردم داخل کشور با مردم خارج از کشور اشاره دارد. در صورتی که این ارتباط با فرصت متفاوت صورت بگیرد، به معنای آن است که مردم هر قومیت در داخل، از میان مردم خارج کشور، تنها فرصت ارتباط با قومیت مشابه خویش را دارند. اما اگر با فرصت یکسان صورت گیرد، هر ایرانی و از هر قومیت فرصت دارد تا با همه خارجی‌ها از هر قومیت ارتباط برقرار کند.

فرضیه‌های تحقیق

همان‌گونه که در نظریه‌های کلان هویت جمعی مشاهده شد، توافق چندانی درباره تأثیر متغیرهای فوق بر روی برجستگی هویت‌های فرهنگی جمعی وجود ندارد و لذا فرضیه‌های خویش را بدون جهت مطرح می‌سازیم.

فرضیه اول: ارتباطات فراملی - فرصت یکسان بر فراوانی برجستگی هویت‌های دینی، ملی، قومی درون‌مرزی و فرامرزی تأثیر می‌گذارد.

فرضیه دوم: ارتباطات فراملی - فرصت متفاوت بر فراوانی برجستگی هویت‌های دینی، ملی، قومی درون‌مرزی و فرامرزی و نیز «عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی» تأثیر می‌گذارد.

فرضیه سوم: ارتباطات درون‌ملی بر فراوانی برجستگی هویت‌های دینی، ملی، قومی درون‌مرزی و فرامرزی و نیز «عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی» تأثیر می‌گذارد.

فرضیه چهارم: جهانی‌سازی بر فراوانی برجستگی هویت‌های دینی، ملی، قومی درون‌مرزی و فرامرزی و نیز «عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی» تأثیر می‌گذارد.

فرضیه پنجم: آزادی‌های مدنی بر فراوانی برجستگی هویت‌های دینی، ملی، قومی درون‌مرزی و فرامرزی و نیز «عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی» تأثیر می‌گذارد.

روش تحقیق

هدف معرفتی پژوهش، بررسی وضعیت برجستگی هویت‌های فرهنگی در زمان کنونی و یافتن میزان و نحوه تأثیر عوامل مختلف بر آینده آن، می‌باشد. برای شناخت و توصیف وضعیت کنونی از روش پیمایش و برای پیش‌بینی وضعیت آینده، از روش شبیه‌سازی کامپیوتری استفاده شد.

در بخش شبیه‌سازی کامپیوتری، بر مبنای نرم افزار Ps-I، جامعه‌های مصنوعی و مجازی، مشابه جامعه واقعی و دارای ویژگی‌های آن ساخته، سپس تأثیر عوامل مختلف بر آینده متغیر وابسته در آن سنجیده و پیش‌بینی می‌شود.

در قسمت‌های بعدی ابتدا بخش توصیف زمان کنونی؛ پیمایش و نحوه اجرای آن، و سپس بخش پیش‌بینی آینده، شبیه‌سازی و چگونگی انجام آن در این تحقیق شرح داده خواهد شد.

پیمایش

تعریف مفهومی متغیرهای وابسته در سطور پیشین ارائه گردید. اما درباره معرفت‌سازی به بیان جکسون باید گفت، هویت جمعی دارای مقیاس‌های اندازه‌گیری متعددی است، بلکه اگر تنها به مقیاس‌های آن در سال‌های اخیر نگاه کنیم، این مقیاس‌ها به لحاظ تعداد و ماهیت^۱ با عناصر هویت جمعی مطابقت نداشته و معمولاً به تعاریف هویت جمعی ارتباط ندارند (Jackson, 1999: 121). با این همه برای ساختن گویه‌ها از مقیاس تینگ‌تومی (Ting-Toomey, 2000) برای سنجش برجستگی هویت قومی رهنمود گرفته‌ایم که وی از مقیاس فینی؛ سنجش هویت قومی چندگانه^۲ (MEIM) و مقیاس هلم و پرهام؛ مقیاس گرایشی هویت نژادی سیاه^۳ (BIAS-B) و مقیاس لوهتن و کراکر؛ عزت نفس جمعی^۴ استفاده کرده است. همچنین از تحقیق چلی درباره هویت قومی و ملی (چلی، ۱۳۸۰) نیز رهنمود گرفته‌ایم. از پرسشنامه‌های ساخته شده در پایان‌نامه دوره دکتری آقای دوران (دوران، ۱۳۸۰) نیز استفاده کرده‌ایم. همین‌طور از پایان‌نامه‌ها و تحقیقات مختلفی که در ایران انجام شده‌اند، الهام گرفته‌ایم.

1. nature

2. multiple Ethnic Identity Measure (MEIM)

3. black racial Identity attitude Scale (BIAS-B)

4. collective Self-Esteem

در مرحله گویه سازی، پرسشنامه مردان و زنان تفاوت‌هایی با همدیگر داشته‌اند. گویه‌های ساخته شده جهت سنجش هویت‌های ملی، قومی و دینی، دارای اعتبار صوری^۱ و نیز اعتبار نمونه‌گیری^۲ می‌باشند. ملاک ارزیابی روایی مقیاس‌های ساخته شده برای هویت‌های فرهنگی مختلف، ضریب آلفا کرونباخ است. جدول ۱ میزان روایی مقیاس‌های مختلف برای پرسشنامه زنان و مردان را به‌طور جداگانه نشان می‌دهد.

جدول ۱- مقادیر آلفا برای متغیرهای مختلف

زنان		مردان				جنسیت		
رواجتی هویت قومی فوامرزی	رواجتی هویت قومی درون مرزی	رواجتی هویت ملی	رواجتی هویت دینی	رواجتی هویت قومی فوامرزی	رواجتی هویت قومی درون مرزی	رواجتی هویت ملی	رواجتی هویت دینی	متغیرها
۲۶	۳۴	۱۶	۱۴	۲۸	۴۳	۱۴	۱۶	تعداد گویه
۰,۷۹۳۰	۰,۵۶۸۳	۰,۶۲۸۷	۰,۶۸۹۸	۰,۸۰۷۰	۰,۸۰۵۸	۰,۸۱۳۱	۰,۷۶۷۲	آلفا

کل جامعه آماری این تحقیق، ایرانی‌های جزء قومیت عرب و ساکن در خوزستان و ۱۸ سال به بالا می‌باشند. بر اساس فرمول کوکران و برخی ملاحظات مربوط به شبیه‌سازی کامپیوتری،^(۳) حجم نمونه ۵۰۰ نفر در نظر گرفته شد. نمونه‌گیری در چند مرحله صورت پذیرفت: ۱. انتخاب شهرها؛ ۲. تعیین سهم هر شهر از کل نمونه ۳. تعیین سهم مردان و زنان هر شهر از نمونه؛ ۴. انتخاب محله‌ها؛ ۵. انتخاب خیابان و منزل مسکونی، ۶. انتخاب پاسخگو.

سطح مشاهده در پیمایش فرد می‌باشد، اما از آن‌جا که هدف نهایی پژوهش بررسی تغییرات هویت در کل قومیت عرب خوزستان از طریق شبیه‌سازی می‌باشد، لذا همان‌طور که گفته خواهد شد، واحد تحلیل در شبیه‌سازی، قومیت مزبور می‌باشد. درباره نتایج پیمایش، تحلیل، به معنای در رابطه قرار دادن متغیرهای مستقل و وابسته، صورت نگرفت و لذا در پیمایش واحد تحلیل قابل نشدیم.

1. face Validity

2. sampling Validity

پس از اجرای پیمایش، ماتریس داده‌ها در SPSS تهیه گردید. این داده‌های خام را نمی‌توان به طور مستقیم در مدل شبیه‌سازی به کار برد، بلکه طی فرایندی معین، پردازش ریاضی در مورد آن‌ها صورت گرفت و سپس آن‌ها را به مدل کامپیوتری ساخته شده وارد نمودیم. که این داده‌های پردازش شده نشانگر وضعیت کنونی هویت‌های فرهنگی در مدل کامپیوتری می‌باشند.

شبیه‌سازی

الف- معرفی روش شبیه‌سازی

شبیه‌سازی، به عنوان یک تکنیک تحقیق در علوم اجتماعی، به ساختن و دست‌کاری یک مدل عملیاتی^۱ اشاره دارد که این مدل، نمایشی فیزیکی یا نمادی از همه یا بعضی از جنبه‌های یک فرایند روانشناختی یا اجتماعی است. شبیه‌سازی برای متخصصین علوم اجتماعی، ساختمانی از یک مدل عملیاتی از فرایندهای گروهی یا شخصی و نیز آزمایش بر روی نتایج دستکاری متغیرها و روابط آن‌هاست^(۲) (Shaffer, 1972: 10). شبیه‌سازی، نوعی خاص از مدل‌سازی است. ساختن مدل روش خوبی است برای فهم جهان؛ آن‌چه ما همیشه انجام می‌دهیم، اما علوم و علوم اجتماعی آن‌ها را پالایش و فرمالیزه می‌کنند. یک مدل، در واقع ساده کردن (کوچک‌تر، با جزئیات کمتر، با پیچیدگی کمتر یا همه اینها با هم) یک ساختار یا سیستم است. مدل یک هوایما، به عنوان یک هوایما باز شناخته می‌شود، هر چند که بسیار کوچک‌تر از هوایمای واقعی است و سیستم‌های پیچیده کنترل آن را ندارد. در علوم اجتماعی مدل‌های آماری مرسوم هستند که برای پیش‌بینی ارزش متغیرهای وابسته به کار می‌روند (Gilbert, 1999: 2).

شبیه‌سازی همانند روش شناسی آزمایشی است. می‌توان یک مدل شبیه‌سازی را برپا نمود و ضمن تغییر شرایطی که مدل در آن اجرا می‌شود، آن را بارها و بارها اجرا نمود، و بدین ترتیب تأثیر پارامترهای مختلف را سنجید. تحقیقات آزمایشگاهی نیز در بسیاری از حوزه‌های علوم اجتماعی تقریباً شناخته شده نیست، اما با این حال هنگامی که نیاز به روشن کردن روابط علی و وابستگی‌های متقابل وجود داشته باشد، این روش مزایای بسیار روشنی دارد. با وجود آن که شبیه‌سازی شباهت‌هایی با آزمایش کردن دارد، اما کاملاً یکسان نیست.

1. operating Model

2. n:n

تفاوت مهم؛ آن است که در آزمایش کنترل روی اعیان واقعی مربوطه (مثل مواد شیمیایی در آزمایش شیمی) می‌باشد، اما در شبیه‌سازی، آزمایش به جای خود پدیده‌ها، روی مدل صورت می‌گیرد (Ibid: 13). به عبارت دیگر در علوم اجتماعی، مدل یا جامعه‌ای مصنوعی ساخته و تأثیر پارامترهای گوناگون بر روی پدیده مورد مطالعه بررسی می‌شود.

شبیه‌سازی استفاده‌های مختلفی دارد که بعضی از آن‌ها برای علوم اجتماعی مهم هستند. یکی از این کاربردها، «پیش‌بینی» است. اگر بتوان یک مدل یعنی جامعه مصنوعی ساخت که دینامیک یک رفتار را بسیار نزدیک به واقعیت باز تولید کند، آن‌گاه می‌توانیم فرایندهایی را که در طول زمان رخ می‌دهند، شبیه‌سازی و از مدل برای پیش‌بینی آینده استفاده کنیم (Gilbert, 1999: 4-5).

مدل‌های شبیه‌سازی در پژوهش حاضر بر مبنای مدل پایه Ps-I ساخته شده‌اند، از این رو پیش از شرح ادامه روند پژوهش، به معرفی این مدل می‌پردازیم.

ب- معرفی مدل Ps-I

مدل Ps-I^۱ توسط پروفیسور لوستیک، استاد علوم سیاسی دانشگاه پنسیلوانیا و در گاجو؛ برنامه‌نویس کامپیوتری تهیه شده است (Lustick, 2000a). این مدل از دسته مدل‌های «مبتنی بر عامل»^۲ می‌باشد، که بسط‌یافته استفاده از ابزار ماشین‌های خودکار سلولی^۳ می‌باشند^۴. در این مدل به گونه‌ای که در شکل مشاهده می‌شود، عامل‌ها^۴ در کنار همدیگر قرار دارند. هر مستطیل نشان دهنده یک عامل است.

هر عامل در این تحقیق نشان‌دهنده یک فرد می‌باشد. این مدل بر مبنای پارادایم سازه‌گرایی اجتماعی ساخته شده (Lustick, 2002) و لذا هویت‌های افراد یا همان عامل‌ها طی کنش متقابل با عامل‌های دیگر و تحت تأثیر عوامل محیطی انتخاب می‌شوند و لذا در طول زمان متغیر و سیال می‌باشند (Freeman, 1998; Moore, 1995; Sykora, 2002; Llobera, 1999).

1. Political science-identity

2. agent-based

3. cellular Automata

4. agent

عوامل مؤثر بر انتخاب هویت در سه سطح خرد، میانه و کلان در تئوری‌های مربوط تئیین گردیدند. سازندگان مدل، مکانیسم‌ها و قوانین حاکم بر رفتار انتخاب هویت را که به صورت تلویحی یا تصریحی در این تئوری‌ها بیان شده‌اند، استخراج نموده و بر مبنای آن‌ها الگوریتم‌هایی را که افراد بر اساس آن‌ها به انتخاب یک هویت دست می‌زنند، طراحی کرده‌اند (Lustick, 2002).

مدل Ps-I با یک چشم‌انداز^۱ آغاز می‌شود که جمعیتی از عاملان مربع شکل، در آرایه‌ای دوبعدی است، و اندازه و شکل آن بر حسب آزمایش مربوط قابل تغییر است (Ibid). بر مبنای پارادایم سازه‌گرایی و تئوری‌های هویت و هویت اجتماعی، هر عامل کامپیوتری دارای لیستی^۲ از هویت‌های جمعی گوناگون (برای مثال هویت دینی، هویت ملی، هویت قومی و...) می‌باشد، و به هر یک از آن‌ها رنگ معینی نسبت داده می‌شود. هویت برجسته و فعال^۳ عامل در زمان تغییر می‌کند؛ رنگ عامل (یا همان مربع) در هر گام زمانی به‌سان رنگ هویت برجسته می‌باشد که در طول زمان تغییر می‌نماید (Lustick, 2000a).

با اجرای مدل، عامل‌های چشم‌انداز در یک مسیر زمانی قرار می‌گیرند، که در هر گام زمانی قادر به انتخاب هویت فعال و برجسته خویش می‌باشند (Lustick, 2000a). همان‌طور که گفته شد، این انتخاب به مکانیسم‌های خرد، میانه و کلان بستگی دارد.

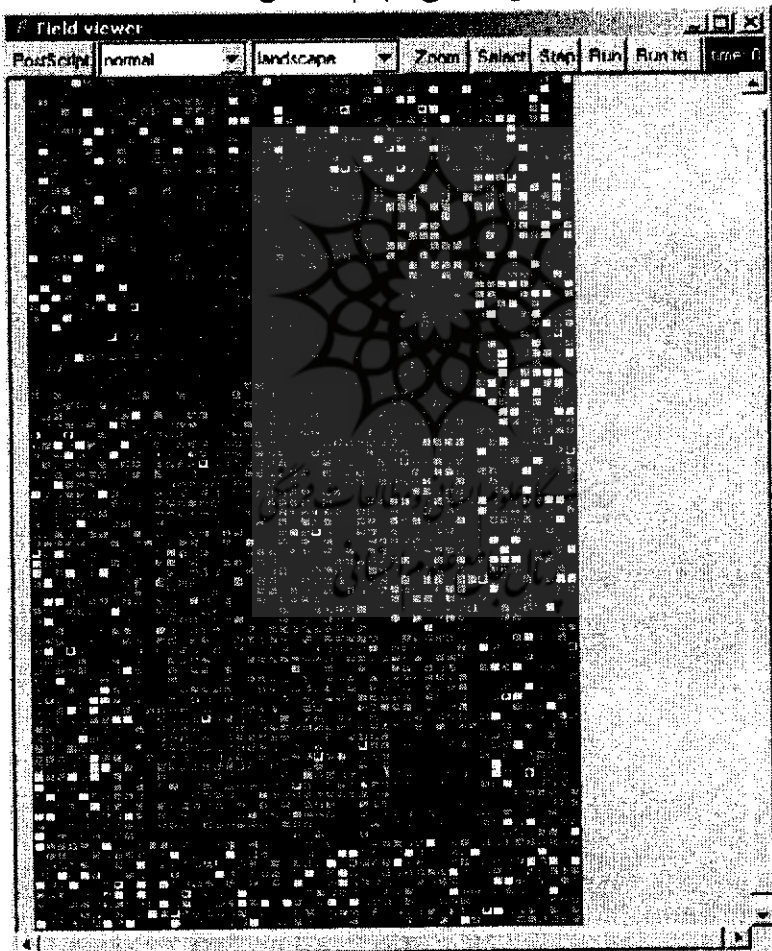
مکانیسم‌های خرد

۱. نوع عامل: عامل‌ها بر اساس ویژگی‌های فردی و شخصیتی، یعنی میزان آگاهی، میزان نفوذ بر اطرافیان، میزان تأثیرپذیری و میزان انعطاف‌پذیری دسته‌بندی شده‌اند؛ عامل عادی^۴ و عامل پیشگام^۵. عامل‌های پیشگام که نقش نخبه و رهبر فکری را بازی می‌کنند، آگاه‌تر بودند و از لیست هویتی بزرگ‌تری برخوردار هستند. آن‌ها (بسته به طراحی آزمایش) دو یا چند برابر عامل عادی بر انتخاب اطرافیان خویش تأثیر گذار هستند. همچنین آن‌ها در پاسخ به تغییرات بیرونی حساسیت و آمادگی بیشتری برای تغییر لیست هویتی و هویت برجسته خویش دارند (Lustick, 2000a؛ Van Der Veen, 2001a؛ Weimann, 1994).

1. landscape
2. repertoire
3. active
4. basic
5. entrepreneur

۲. همچنین پارامتر تأثیر خود (User Manual, Lustick) میزان تعیین کنندگی رأی شخصی عامل‌ها در مقایسه با اطرافیان و ساختارها را مشخص می‌کند، به عبارت دیگر هر چه این پارامتر بیشتر باشد، عامل بیشتر بر اساس اراده و تصمیم خویش عمل می‌کند. چنین مفهومی را می‌توان در «من فاعلی» مید (ریترز، ۱۳۷۷) و «عاملیت» گیدنز (Turner, 1998: 491-501) سراغ گرفت.

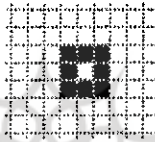
شکل ۱- نمایشی از چشم انداز مدل Ps-I



مکانیسم‌های میانه

عامل‌هایی هستند که در همسایگی^۱ یک عامل قرار دارند (شکل ۲)، و هویت برجسته آن‌ها در تعیین هویت برجسته آن عامل نقش دارند. هر چه تعداد عامل‌های با رنگ و هویت فعال معین بیشتر باشند، عامل مذکور (عامل وسط)، امتیاز بیشتری به آن هویت داده و تمایل بیشتری به برجسته شدن آن هویت خواهد داشت (Lustick, 2000a).

شکل ۲- سلولهای سیاه همسایه‌های سلول وسط می‌باشند



مبنای این فاکتور را که بر تأثیر اطرافیان بر هویت افراد تأکید می‌نماید، می‌توان در مکتب کنش متقابل نمادین که فراگردهای ذهنی را ناشی از فراگرد کنش متقابل می‌داند، یافت (ریترز، ۱۳۷۷: ۲۸۴). همچنین مفهوم «تعهد» در منظر اول تئوری هویت به طور مشخص به تأثیر شبکه روابط اجتماعی در انتخاب هویت می‌پردازد (Stryker, 2000: 873-4). تئوری چرخه کنترل برک در منظر دوم تئوری هویت، نیز نقش اطرافیان به عنوان محیط را در نظر می‌گیرد، که این عامل دائماً سعی در انطباق اطلاعات ورودی آن با استانداردهای درونی دارد (Burke, 1991: 873). مفهوم همسایگی در تأثیر تعاملی قابلیت دسترسی و برآزش نظریه او آکس نیز ظهور پیدا می‌کند (Stets, 2000: 230).

مکانیسم‌های کلان

تأثیر عوامل کلان از طریق پیام‌هایی است که درباره هویت‌های مختلف به طور تلویحی یا صریح به فرد می‌رسانند. به طور ساده این پیام‌ها می‌توانند از بسیار منفی تا بسیار مثبت، یا به عبارت دیگر از بسیار دفع‌کننده تا بسیار جذب‌کننده به یک هویت معین تغییر نمایند. نحوه تأثیر رسانه‌ها، ارتباطات بین‌قومی، ارتباطات فراملی،

توسعه، دمکراسی، جامعه مدنی و غیره، بر روی یک هویت معین، و تقویت یا تضعیف آن، به واسطه پیغام مثبت / منفی درباره اجزاء یا کلیت آن هویت به فرد می‌باشد که باعث تغییر نگرش وی نسبت به آن هویت می‌شود. در مدل Ps-I این اطلاعات درباره ارزش‌های کلی (مثبت یا منفی) یک هویت در محیط، در پارامتر سوگیری^۱ در نظر گرفته شده است (برداشتی از Van Der Veen, 2001b: 6). در تئوری کاورت که نقش عوامل محیطی را در ایجاد، تثبیت و تغییر هویت‌ها تبیین می‌نماید، معنای سوگیری محیط به خوبی بیان شده است (Kowert, 1996: 16-19).

هر عامل در هر گام زمانی، طی یک فرایند و الگوریتم معین به انتخاب هویت فعال و برجسته خویش دست می‌زند. همان‌گونه که گفته شد، این الگوریتم مبتنی بر تئوری‌های سازه‌گرایی ساخته شده است (Lustick, 2002). فرآیند کامل این الگوریتم پیچیده است و به جهت پرهیز از اطاله نوشتار، خوانندگان را به اصل گزارش تحقیق ارجاع می‌دهیم.

یکی از سؤالاتی که ممکن است برای خوانندگان به وجود آید، این است که یک گام زمانی^۲ در جهان واقعی چه مدت زمانی است؟ یک ساعت، یک روز، یک ماه و یا یک سال؟ این زمان در واقع حداقل مدت زمانی است که طول می‌کشد تا هویت برجسته افراد تغییر نماید. از آن‌جا که Ps-I مدلی است عام و ممکن است برای کشورها و مناطق مختلف با شرایط گوناگون به کار برده شود، لذا نمی‌توان یک مدت زمان را به تمامی حالات نسبت داد. طی تحقیقی که روی کشورهای خاورمیانه صورت گرفت، لوستیک یک گام زمانی در این کشورها را پنج روز و نصف تخمین زد (برداشتی از Lustick, 2001: 8).

مدل Ps-I عناصر، اجزاء و بخش‌های مختلف دارد که شرح آن‌ها به مجالی دیگر واگذاشته می‌شود، و در اینجا تنها به قسمت‌های اصلی مدل پرداخته شده است.

در مرحله بعدی یعنی شبیه‌سازی، ابتدا جامعه مصنوعی بر اساس مشخصات جامعه واقعی و بر مبنای مدل Ps-I ساخته شده، آن‌گاه اطلاعات به دست آمده از پیمایش درباره متغیر وابسته به عنوان وضعیت زمان کنونی یا زمان صفر (time=0) وارد مدل می‌شود، به طوری که وضعیت جامعه مصنوعی در زمان صفر شبیه وضعیت جامعه واقعی از لحاظ فراوانی برجستگی هویت‌هاست.

1. bias

2. time Step

دو حالت کلی برای مدل‌ها وجود دارد: مدل‌های استاندارد و مدل‌های آزمایش. در حالت استاندارد که همانند گروه کنترل در روش آزمایش می‌باشد، هیچ متغیر مستقلی را وارد مدل نمی‌کنیم. در همین حالت مدل را تا ۲۰۰ گام زمانی اجرا^۱ کرده و نتایج را برای متغیرهای وابسته در زمان ۲۰۰ (time=200) ثبت می‌نماییم. در حالت آزمایش که همانند گروه آزمایش در روش آزمایش می‌باشد، با تغییر شرایط اولیه^۲ یا به عبارتی وارد نمودن متغیرهای مستقل، مدل را دستکاری^۳ نموده و تأثیر حضور متغیرهای مستقل بر آینده متغیرهای وابسته یا همان برجستگی هویت‌های فرهنگی سنجیده می‌شود.

همان‌طور که دیده می‌شود، تأثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیرهای وابسته و پیش‌بینی‌های صورت گرفته در سطح قومیت عرب خوزستان بوده و لذا واحد تحلیل در شبیه‌سازی، قومیت مزبور و در سطح کلان می‌باشد. در سطور بعدی هر یک از گام‌ها و مراحل شبیه‌سازی صورت گرفته را شرح خواهیم داد.

ج- ساختن جامعه مصنوعی؛ مدل خوزستان

تمامی شبیه‌سازی‌ها و مدل‌هایی که با استفاده از مدل Ps-I صورت گرفته‌اند، بر مبنای پراکنندگی جغرافیایی برجستگی هویت‌های مختلف طراحی شده‌اند. برای مثال در مطالعه‌ای که لوستیک بر روی آینده‌هویت‌ها در خاورمیانه انجام داده است، هویت‌های مختلف اسلامی، قومی و ملی به صورت جغرافیایی، بر اساس واقعیت جوامع مذکور، در چشم‌انداز مدل توزیع شده‌اند (برداشتی از (Laustick, 2001). همچنین در کاری که ون در وین و لوستیک برای سنجش تأثیر عوامل مختلف بر شکل‌گیری هویت اروپایی انجام داده‌اند، شکل مدل را بر مبنای واقعیت، به گونه‌ای در نظر گرفته‌اند که افراد فعلی دارای هویت اروپایی بیشتر در مرکز مربع اروپا قرار داشته باشند (ر.ک: (Van Der Veen, 2001c).

بدین ترتیب شاکله مدل تحقیق بر مبنای توزیع جغرافیایی هویت‌های فرهنگی مختلف می‌باشد. توزیع جغرافیایی هویت‌ها در چند لایه در نظر گرفته شد. اولاً خوزستان غیر از عرب‌ها، قومیت‌ها و هویت‌های دیگری را در دل خویش دارد که جایگاه جغرافیایی آن‌ها نسبت به همدیگر رعایت شده است. از سوی دیگر خوزستان در داخل کشور در کنار قومیت‌های مختلف لر، ترک، کرد و ... قرار دارد. همچنین حضور

1. run
2. initial Condition
3. manipulation

همسایگان عرب، کرد، ترک، بلوچ و غیره در کنار ایران و کنش متقابل آن‌ها با قومیت‌های مختلف داخل کشور، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر برجستگی هویت‌ها در خوزستان دارد. علاوه بر این، نمی‌توان ایران و همسایگانش را جدای از محیط کل جهانی دید و به‌خصوص کشورهای اروپایی و آمریکا نقش مهمی در تحولات هویتی در ایران و خوزستان داشته‌اند و دارند. چشم‌انداز کامپیوتری به دست آمده، در شکل ۱ نشان داده شده است.

تأیید^۱ و اعتبار آمدل

پس از طراحی و ساخت هر مدل شبیه‌سازی دو موضوع مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: تأیید و اعتبار. تأیید، فرایند کنترل عملکرد مطابق با طراحی یک برنامه کامپیوتری است (Gilbert, 1999: 21). تأیید به معنای تطابق مدل ساخته‌شده با انتزاع^۲ صورت گرفته از سیستم هدف می‌باشد.

مدل خوزستان بر پایه مدل PS-I طراحی شده و سازندگان این مدل معیار تأیید را مورد ارزیابی قرار داده و تصحیحات لازم را انجام داده‌اند. مدل PS-I همان‌طور که پیش از این گفته شد، بر پایه مفروضات تئوری‌های سازه‌گرا، که در واقع انتزاعی از واقعیت هستند، ساخته شده‌اند. طبق بررسی‌های به عمل آمده توسط سازندگان مدل و خود نگارنده، این مدل کاملاً بر اساس آنچه مورد انتظار است، یعنی طبق مفروضات سازه‌گرایی، عمل می‌کند و از لحاظ معیار تأیید، مورد تصدیق است (Lustick, 2000a).

تأیید، این امر را مورد توجه قرار می‌دهد که آیا برنامه کامپیوتری مطابق انتظار محقق کار می‌کند یا خیر، اعتبار به این سؤال ارتباط می‌یابد که آیا شبیه‌سازی صورت گرفته مدل خوبی برای هدف هست یا نه؟ مدلی که می‌توان به آن در مورد انعکاس رفتار هدف اعتماد کرد، «معتبر» می‌باشد. اعتبار را می‌توان با مقایسه خروجی شبیه‌سازی با اطلاعات جمع‌آوری شده از هدف، مورد سنجش قرار داد (Gilbert, 1999: 22).

برای بررسی اعتبار مدل خوزستان، تأثیر دو واقعه تاریخی روی کار آمدن رضاخان و انقلاب اسلامی، بر روی برجستگی هویت‌های فرهنگی، میان آن‌چه در مدل روی می‌دهد و واقعیت‌های تاریخی، مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

1. verification
2. validation
3. abstraction

روی کار آمدن رضاخان: نگاهی گذرا به کتاب‌های تاریخی خوزستان نشان می‌دهد که تاریخ خوزستان پیش از روی کار آمدن دولت رضاخان، با وجود حکومت‌ها و سلسله‌هایی همچون مشعشعیان و کعیان، مملو از درگیری‌های بین طایفه‌ای بوده است (سیادت، ۱۳۷۹؛ کسروی، ۱۳۳۰). لذا فضای تاریخی آن روزگار نشان از برجستگی هویت‌های طایفه‌ای دارد تا هویت‌های قومی یا ملی.

پس از روی کار آمدن رضاخان، تحولات مهمی در برجستگی هویت‌های مختلف در کل ایران و از جمله خوزستان روی داد. منشأ تحولات روی داده، سیاست‌های رضاخان بود. از ویژگی‌های اساسی سیاست‌های او، نفی فرهنگ دینی و قومی و همچنین جایگزینی فرهنگ یکپارچه و یکسان ملی بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ سیادت، ۱۳۷۹).

بر اساس روایت‌ها و مستندات تاریخی، اقدامات رضاخان موجب برانگیخته شدن حساسیت‌های قومی و اقدامات نظامی بر علیه وی و حکومت وقت شد (سیادت، ۱۳۷۹)، لذا می‌توان گفت پس از روی کار آمدن رضاخان، برجستگی هویت قومی در میان عرب‌های خوزستان به شدت افزایش یافت. درباره‌ی هویت ملی باید گفت در زمان رضاخان که آغاز شکل‌گیری مفهوم ملت و هویت ملی در ایران بود، بیشتر از مردم عادی، برخی شیوخ و بزرگان عرب بودند که به سمت فرهنگ ملی تمایل نشان می‌دادند؛ نام فرزندان خود را فارسی انتخاب می‌کردند، لباس‌های پهلوی می‌پوشیدند و فرزندان خود را برای تحصیل به تهران می‌فرستادند (مصاحبه با استاد تاریخ؛ علی‌نژاد).

بر این اساس دو جامعه مصنوعی ساختیم. در اولی رضاخان روی کار نمی‌آید، در حالی که دومی روی کار آمدن رضاخان و سیاست‌های او را شامل است. شرایط اولیه در هر دو مدل، غالب بودن هویت‌های طایفه‌ای در خوزستان می‌باشد. برجستگی هویت‌ها قبل و بعد از زمان روی کار آمدن حکومت پهلوی، میان دو مدل، تفاوت معناداری از خود نشان داده، به طوری که هویت‌های قومی و ملی در هر دو عامل عادی و پیشگام افزایش یافته‌اند، که این امر به معنای اعتبار مدل می‌باشد.

انقلاب اسلامی: به گفته‌ی آبراهامیان، در ایران کاهش قدرت حکومت مرکزی ارتباط معناداری با بروز بحران‌های قومی دارد (آبراهامیان، ۱۳۷۷). با سقوط حکومت پهلوی این الگو دوباره تکرار شده و تنش‌های قومی بسیاری در سطح کشور و از جمله در خوزستان روی داد (مقصودی، ۱۳۸۰). از این رو می‌توان نتیجه

گرفت که انقلاب و از بین رفتن دستگاه عربض و طویل پهلوی موجب تقویت و برجسته شدن هویت‌های قومی در ایران شد.

برای سنجش اعتبار مدل در بازنمایی انقلاب و تأثیر آن بر هویت‌ها، دو جامعه مجازی خوزستان ساخته‌ایم که در اولی انقلاب روی نمی‌دهد و در دومی انقلاب به وقوع می‌پیوندد. بر اساس داده‌های به دست آمده، مدل مزبور برجسته شدن هویت قومی عربی در اثر انقلاب و فروپاشی حکومت مرکزی را نیز نشان داده است.^(۶)

د- انتقال داده‌های پیمایش به مدل

پس از حصول اطمینان از تأیید و اعتبار مدل، وقت آن رسیده تا داده‌های زمان کنونی درباره متغیر وابسته، یعنی برجستگی هویت‌های گوناگونی که برآمده از پیمایش می‌باشند، به عنوان وضعیت $time=0$ وارد مدل کامپیوتری گردند. داده‌های به دست آمده از پیمایش نه به طور مستقیم، بلکه پس از طی یک فرایند پردازش ریاضی وارد مدل می‌شوند. همان‌طور که گفته شد، موقعیت جغرافیایی عامل‌ها در چشم‌انداز مدل Ps-I تعیین کننده بوده و لذا چشم‌انداز خوزستان حسب موقعیت شهرها و جمعیت نسبی آن‌ها، بر اساس نقشه موجود منطقه‌بندی شده و اطلاعات هر شهر جداگانه وارد شده است.^(۷)

ه- آزمایش در جامعه مصنوعی

پس از آماده نمودن اطلاعات به دست آمده از پیمایش برای مدل و وارد نمودن آن‌ها، مرحله نهایی تحقیق یعنی انجام آزمایش در جامعه مصنوعی آغاز می‌گردد. در این مرحله دو گونه مدل، یعنی مدل‌های استاندارد و آزمایش ساخته می‌شود. حالت استاندارد، نقش گروه کنترل در روش آزمایش را ایفا می‌کند. سپس به دستکاری مدل می‌پردازیم و متغیرهای مستقل همچون «ارتباط میان قومیت‌های ایرانی» را عملیاتی و وارد مدل می‌کنیم. حالت دستکاری شده مدل، نقش گروه آزمایش را ایفا می‌کند. با انجام دادن مدل استاندارد و مدل‌های دستکاری شده تا گام دویستم زمانی، تفاوت مدل‌ها در متغیر وابسته، یعنی برجستگی هویت‌های فرهنگی، نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای مستقل خواهد بود.

مدل‌های استاندارد و آزمایش؛ عملیاتی کردن متغیرهای مستقل

دو بخش چشم‌انداز و پارامترها، در شرح مدل‌های استاندارد و آزمایش از اهمیت بیشتری برخوردارند.

درباره چشم‌انداز باید گفت، خوزستان مشتمل بر مردم عرب، دزفولی، شوشتری، لر و مهاجران می‌باشد. همچنین عاملان را به دو دسته عادی و پیشگام تقسیم نموده بودیم. عاملان عادی عرب، دارای هویت‌های دینی، ملی، قومی درون‌مرزی و قومی فرامرزی در لیست هویتی خویش می‌باشند. عاملان پیشگام عرب علاوه بر هویت‌های فوق از هویت‌هایی مثل هویت جهانی و فارسی برخوردارند، که نسبت جمعیتی آن‌ها بر اساس تحقیقات انجام شده (Weimann, 1994) درباره نسبت نخبگان در جامعه، $5/8^{(8)}$ می‌باشد. در میان غیرعرب‌های خوزستان، علاوه بر شوشتری‌ها، دزفولی‌ها و لر‌ها که بومی این منطقه می‌باشند، مهاجران اصفهانی، تهرانی، ترک و دیگر شهرها نیز به تناسب جمعیتی‌شان در نظر گرفته شدند. در بقیه نقاط ایران و در کنار خوزستان، همه قومیت‌های لر، کرد، ترک، ترکمن، بلوچ و فارس، به تناسب مکان جغرافیایی و نسبت جمعیتی، در مدل وارد شده‌اند. در همسایگی ایران کشورهای عربی، کردها، ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان و افغانستان حضور دارند که تأثیر آن‌ها بر هویت‌های درون کشور انکارنشده است. کشورهای اروپایی و آمریکایی به طور مستقیم و غیرمستقیم در برجستگی هویت‌های مختلف در ایران و خوزستان نقش دارند، از این رو مردم این کشورها را در قالب عاملاتی که دارای هویت‌های آمریکایی، اروپایی، مسیحی، جهانی و هویت ملی (مربوط به کشورهای مختلف این دسته) می‌باشند، مدل‌سازی نموده و در کنار و آمیخته با عاملان همسایه ایران در اطراف همسایگان، جایگذاری نمودیم.

ذکر این نکته ضروری است که چشم‌انداز مدل میان دو گروه کنترل و آزمایش یکسان است و آنچه در این آزمایش این دو را از همدیگر متفاوت می‌نماید، پارامترهای آن‌هاست. این تفاوت در واقع ریشه در آن دارد که متغیرهای مستقل از طریق تغییر پارامترها عملیاتی می‌شوند.

عملیاتی کردن متغیرهای مستقل: مدل خوزستان جامعه‌ای مجازی است که برای عملیاتی کردن هر متغیر در آن، همانند جامعه واقعی، از مجموعه‌ای از معرف‌ها استفاده می‌کنیم. اما این معرف‌ها برخلاف روش‌هایی چون پیمایش، در جامعه‌ای مصنوعی قرار دارند. و در جامعه ساخته شده مبتنی بر Ps-I از امکانات این مدل برای معرف‌سازی استفاده می‌نماییم. در سطور بعدی ابتدا نحوه عملیاتی‌سازی متغیرهای مستقل و سپس وابسته را، مبتنی بر تعاریف مفهومی ارائه شده در صفحات پیشین، ارائه خواهیم نمود.

مفهوم محوری ارتباطات درون ملی و فراملی (با فرصت یکسان یا متفاوت)، ارتباط می‌باشد. در مدل Ps-I هر عامل از طریق مکانیسم همسایگی^۱ با عاملان دیگر در ارتباط قرار دارد. در حالت استاندارد، هر عامل تنها با همسایگان مور^(۹) خویش در ارتباط می‌باشد. برای در ارتباط قرار دادن عاملان واقع در خوزستان با دیگر هموطنانشان، یعنی ارتباطات درون ملی، عامل‌های ساکن در بقیه نقاط ایران با درصد احتمال معین، به عنوان بخشی از همسایگان عامل خوزستانی قرار داده شده و تعریف می‌شوند. در این تحقیق غیر از حالت استاندارد که در آن این درصد احتمال مساوی صفر است، دو مدل طراحی شدند که درصد احتمال ۰/۵٪ در اولی و ۱٪ در دومی قرار داده شدند. احتمال ۱٪ به معنای آن است که در هر گام زمانی مردم استان‌های دیگر، ۱٪ و همسایگان مور به میزان ۹۹٪، شانس همسایه شدن با عامل خوزستانی را دارند.

نحوه عملیاتی کردن ارتباطات فراملی - فرصت یکسان و ارتباطات فراملی - فرصت متفاوت نیز با استفاده از تکنیک تغییر همسایگی می‌باشد، با این تفاوت که در ارتباطات فراملی - فرصت یکسان، تمامی عاملان خارج از کشور احتمال قرار گرفتن در همسایگی هر عامل ایرانی را دارند، اما در فرصت متفاوت، تنها این احتمال وجود دارد که هر خارجی در همسایگی عامل ایرانی با قومیت مشابه او قرار گیرد. برای هر دو حالت فرصت یکسان و متفاوت همانند متغیر قبلی، احتمال‌های ۵٪ و ۱٪ در نظر گرفته شده‌اند.

مهم‌ترین وجه آزادی‌های مدنی که مشتمل بر آزادی عقیده و عمل می‌باشد، افزایش اعمال اراده هر انسان در نحوه زندگی کردن اوست. در مدل Ps-I همان‌طور که بیان شد، علاوه بر محیط و همسایگان، تصمیم خود عامل نیز در انتخاب هویت فعال مؤثر است. پارامتر تأثیر - خود^۲ و اندازه آن نشان‌دهنده میزان تأثیر اراده فرد در انتخاب هویت برجسته می‌باشد. بنابراین برای افزایش آزادی‌های مدنی در جامعه ایران و دنبال کردن تأثیر آن بر هویت‌های گوناگون، کافی است تا مقدار این پارامتر را افزایش دهیم. در این تحقیق علاوه بر مدل استاندارد که تأثیر - خود معادل ۱ انتخاب شد، دو مدل دیگر با مقادیر ۴ و ۶ برای این پارامتر ساخته شدند. هنگامی که مقدار ۱ برای این پارامتر انتخاب می‌شود، به معنای کمترین تأثیر اراده و تصمیم فرد در انتخاب و برجستگی هویت‌های مختلف می‌باشد.

1. neighbourhood

2. self_influence

جهانی‌سازی بنا به تعریف، افزایش تعداد، سرعت، متوسط فاصله جغرافیایی و شدت تعاملات در سطح کره خاکی میان افراد، نهادها، سازمان‌ها، کشورها و کلیه عاملان نوع بشر است. بر اساس علاقه تحقیق و ابزارهای فراهم در مدل Ps-I، از میان تعاملات مختلف، تعاملات فرهنگی را مبنای عملیاتی کردن این متغیر قرار می‌دهیم. با افزایش تعداد، سرعت و متوسط فاصله جغرافیایی و نیز شدت تعاملات فرهنگی در محیط، هر انسان با کالاهای فرهنگی متنوع‌تر و سرعت تغییر بالاتر این کالاها در واحد زمان و همچنین پیش‌بینی‌ناپذیری آن‌ها مواجه خواهد شد. در چنین فضایی کتاب‌ها، رسانه‌ها و همه منابع اطلاع، دیدگاه‌ها و نظرات متنوع‌تری را درباره هر هویت (یعنی کلیه هویت‌های موجود در جهان) برای هر فرد به ارمغان خواهد آورد. همچنین در یک واحد زمانی (برای مثال در یک روز یا هفته) مخاطبان رسانه‌ها با تغییرات بیشتری در این دیدگاه‌ها مواجه خواهند شد. و در نهایت پیوستگی دیدگاه‌ها در چنین فضایی پایین می‌آید، برای مثال بیننده ماهواره در یک لحظه می‌تواند از کانال‌های به شدت طرفدار غرب، به کانال‌های شدیداً مخالف غرب تغییر دهد. تنوع دیدگاه‌ها و نظرات (شامل دیدگاه‌های بیشتر مثبت یا بیشتر منفی) را با افزایش بازه سوگیری^۱، سرعت تغییر آن‌ها را با افزایش بی‌ثباتی سوگیری^۲ و عدم پیوستگی آن‌ها را با افزایش فاکتور پیش‌بینی‌ناپذیری^۳ عملیاتی می‌نماییم. بر این مبنای و با استفاده از پارامترهای فوق، دو مدل جهانی‌سازی کم و زیاد طراحی شد. جدول ۲ ارزش هر کدام از پارامترها را برای هر مدل نشان می‌دهد.

جدول ۲- پارامترهای دو مدل جهانی‌سازی در قیاس با مدل استاندارد

فاکتور پیش‌بینی‌ناپذیری (unpredictability-factor)	بی‌ثباتی سوگیری (bias-volatility)	حداکثر سوگیری (bias-max)	حداقل سوگیری (bias-min)	
۳۰۰۰	۵۰۰	+۲	-۲	مدل استاندارد
۳۵۰۰	۱۰۰۰	+۳	-۳	مدل جهانی‌سازی کم
۴۰۰۰	۱۵۰۰	+۴	-۴	مدل جهانی‌سازی زیاد

1. bias

2. bias-volatility

3. unpredictability-factor

از مزایای روش شبیه‌سازی آن است که می‌توان اثر همزمان چندین متغیر بر آینده یک پدیده را مورد پیش‌بینی قرار داد. در این پژوهش از میان متغیرهای مستقل، اثر تعاملی دو متغیر افزایش آزادی‌های مدنی و ارتباطات درون ملی، بر روی فراوانی برجستگی هویت فرهنگی قومی درون‌مرزی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. از آن‌جا که برای هر متغیر مستقل دو حالت کم و زیاد در نظر گرفته شده است، برای بررسی تأثیر تعاملی دو متغیر مستقل آزادی مدنی و ارتباطات درون ملی، چهار مدل می‌سازیم که انواع مدل‌های ساخته شده و پارامترهای مربوطه در جدول ۳ نشان داده شده‌اند. این چهار مدل با استفاده از ترکیب دو تکنیک افزایش «احتمال همسایگی قومیت‌های دیگر کشور» برای عملیاتی کردن ارتباطات درون ملی و بالا بردن «تأثیر-خود» برای عملیاتی کردن آزادی‌های مدنی که در قسمت‌های قبل توضیح داده شده‌اند، ساخته می‌شوند.

جدول ۳- مشخصات مدل‌های آزمایش تأثیر تعاملی ارتباطات درون ملی- آزادی‌های مدنی

نوع مدل	احتمال همسایگی قومیت‌های دیگر کشور	تأثیر-خود (Self influence)
استاندارد	۰	۱
ارتباط درون ملی کم-آزادی کم	٪۰/۵	۴
ارتباط درون ملی کم-آزادی زیاد	٪۰/۵	۶
ارتباط درون ملی زیاد-آزادی کم	٪۱	۴
ارتباط درون ملی زیاد-آزادی زیاد	٪۱	۶

متغیرهای وابسته «برجستگی هویت‌های فرهنگی جمعی» می‌باشد. همان‌گونه که شرح داده شد، هویت‌های گوناگون به رنگ‌های مختلف در مدل Ps-I نشان داده می‌شوند و هنگامی که هویت «الف» در یک عامل برجسته می‌شود، عامل مزبور در چشم‌انداز رنگ معینی را به خود می‌گیرد (Lustick, 2000a). بدین ترتیب متغیر وابسته که برجستگی یک هویت معین می‌باشد، از ابتدا در مدل امکان عملیاتی شدن آن وجود دارد.

فرایند اجرای مدل‌ها و استخراج نتایج

تاکنون پنج متغیر مستقل و نحوه عملیاتی کردن آن‌ها را که برای هر متغیر مستقل دو مدل با درجات شدت متفاوت حضور آن متغیر در مدل ایجاد شدند، بیان نمودیم. همچنین برای بررسی تأثیر تعاملی آزادی‌های مدنی و ارتباطات درون‌ملی چهار مدل ساخته شدند، لذا در مجموع علاوه بر مدل استاندارد، ۱۴ مدل دستکاری‌شده ساخته شدند.

هر مدل ساخته‌شده به تعداد ۱۰۰ بار، تا گام دویستم زمانی اجرا شده و ابزار آماری مدل، فراوانی برجستگی هر یک از هویت‌ها (به عنوان مثال تعداد عامل‌های عرب که در گام ۲۰۰ هویت دینی آن‌ها برجسته است) را برای چشم‌انداز در زمان ۲۰۰ محاسبه کرده و داده‌های خروجی را به صورت فایل با پسوند xls- که قابلیت باز شدن در نرم افزار Excel را دارد- ضبط می‌کند. به عبارت دیگر ۱۰۰ سری داده که هر کدام مربوط به یک بار اجرای مدل تا زمان ۲۰۰ می‌باشند، روی این فایل ثبت شده است. میانگین داده‌های ۱۰۰ اجرا برای متغیر وابسته را محاسبه نموده و به عنوان ارزش متغیر وابسته در هر مدل، در گام دویستم زمانی منظور می‌شود.

برای تحلیل نتایج و ارزیابی تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل، میانگین‌های به‌دست آمده برای مدل استاندارد و نیز دو مدل مربوط به حالت‌های کم و زیاد یک متغیر مستقل را با همدیگر مورد مقایسه قرار می‌دهیم. برای مثال برای ارزیابی تأثیر آزادی‌های مدنی، میانگین فراوانی‌های برجستگی هویت دینی در مدل استاندارد، مدل آزادی کم (با تأثیر خود مساوی ۴) و مدل آزادی زیاد (با تأثیر - خود مساوی ۶) را با همدیگر مورد مقایسه قرار می‌دهیم. افزایش یا کاهش هر یک از فراوانی‌ها و میزان آن‌ها، نشانگر اندازه و چگونگی تأثیر آزادی‌های مدنی بر متغیر وابسته می‌باشد. به همین شیوه چنین مقایسه‌هایی را برای تمامی مدل‌های متغیرهای مستقل انجام می‌دهیم و نتایج را ارزیابی می‌نماییم. در یافته‌های پژوهش، چگونگی مقایسه داده‌های مدل‌ها و نتیجه‌گیری از آن‌ها به صورت روشن‌تر بیان خواهد شد.

نتایج

ابتدا یافته‌های به‌دست آمده در پیدایش درباره وضعیت فعلی ارایه شده، آن‌گاه به نتایج شییه‌سازی درباره آینده‌هویت‌ها خواهیم پرداخت.

نتایج پیمایش

همان گونه که در جدول ۴ مشاهده می شود، «عدم برجستگی هویت» تنها ۹/۶٪ جمعیت را به خود اختصاص داده که مطابق انتظار هنوز تبدیل به یک مسأله اجتماعی نشده است. هویت دینی و هویت قومی درون مرزی بیش از سایر هویت ها و هویت ملی کمتر از دیگر هویت های فرهنگی جمعی، در میان مردم عرب خوزستان برجسته و فعال هستند. بدین ترتیب آن ها بیشتر بر اساس تعالیم دینی و آداب و رسوم محلی زندگی کرده و خود را بیش از هر چیز یک مسلمان و سپس یک عرب می پندارند. و آداب و رسوم ایرانی کمترین جایگاه و نقش را در زندگی آن ها دارد و در اکثر موقعیت ها به این هویت توجه ندارند.

جدول ۴- توزیع فراوانی و فراوانی نسبی «عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی»

و برجستگی هویت های مختلف

فراوانی	درصد فراوانی
۲۱۰	۴۲
۲۱	۴,۲
۱۸۴	۳۶,۸
۵۲	۱۰,۴
۳۳	۶,۶
۵۰۰	۱۰۰

نتایج شبیه سازی

بر اساس فرضیه های تحقیق، می خواهیم به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل آزادی های ملنی، جهانی شدن، ارتباطات درون ملی، ارتباطات فراملی- فرصت یکسان و ارتباطات فراملی- فرصت متفاوت بر روی برجستگی هویت های فرهنگی بپردازیم. و پس از آن اثر تعاملی ارتباطات درون ملی و آزادی های ملنی را بر روی آن ها ارزیابی نماییم.

کلیه پیش بینی های این آزمایش و آزمودن فرضیه های پژوهش برای گام زمانی ۲۰۰ می باشد. بر اساس نتایج تحقیقات لوستیک در کشورهای خاورمیانه، یک گام زمانی (به معنای فاصله زمانی میان دو بار تجدید نظر در

هویت‌های خود) تقریباً معادل پنج روز و نصف می‌باشد (Lustick, 2001: 8). لذا اگر تغییرات را برای گام دویمت زمانی دنبال می‌کنیم، در واقع پیش‌بینی را برای بیش از سه سال آتی انجام می‌دهیم. اما برای استفاده معرفتی و کاربردی باید گفت این رقم، کاملاً تقریبی است و لذا محقق معتقد است نتایج به‌دست آمده برای گام دویمت زمانی را حتی می‌توان به عنوان وضعیت چهارالی ده سال بعد در نظر گرفت.

الف- آزادی‌های مدنی

برای آزمودن تأثیر آزادی‌های مدنی، غیر از مدل کنترل یا استاندارد، دو مدل که در آن‌ها تأثیر-خود به میزان کم و زیاد افزایش یافته بود، ساخته شد. در اولی مقدار تأثیر-خود ۴ و در دومی ۶ می‌باشد. پیش از ارائه نتایج، لازم به ذکر است که برای آزمون معنی‌داری تفاوت وضعیت متغیرهای وابسته در مدل‌های مختلف و به طور کلی معنی‌داری نتایج به‌دست آمده از آزمون T نمونه‌های دوتایی^۱ استفاده شد. همچنین معنی‌داری تمامی نتایج در جدول ۶ آمده است.

جدول ۵- تأثیر آزادی‌های مدنی بر فراوانی برجستگی هویت‌ها

نوع مدل	فراوانی عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی	فراوانی برجستگی هویت دینی	فراوانی برجستگی هویت ملی	فراوانی برجستگی هویت قومی درون مرزی	فراوانی برجستگی هویت قومی فراهرزی
استاندارد	۱۰,۱۸	۱۸۵,۶۲	۱۶۸,۸۱	۸۸,۲۴	۳۶,۸۹
افزایش کم آزادی‌های مدنی	۱۳,۰۲	۱۷۶,۸۹	۱۷۶,۳۳	۸۱,۵۵	۶۱,۷
افزایش زیاد آزادی‌های مدنی	۵,۷۹	۱۳۷,۸	۱۴۵,۹۲	۱۱۳,۷۱	۹۵,۶۱

اگر آزادی‌های مدنی را نسبت به میزان کنونی، چه کم و چه زیاد، افزایش داده و افراد، به مدت چهارالی ده سال (معادل ۲۰۰ گام در مدل) فضای آزاد را تجربه کرده و بیش از پیش بر اساس فکر و نظر شخصی و مستقل خویش زندگی نمایند، پس از این مدت زمان، تأثیری بر مسأله «عدم برجستگی هویت فرهنگی» نخواهد گذاشت ($Sig=0.063$, $Sig=0.094$) و در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که آزادی‌های مدنی و تحولات آن، بهبود و درمانی برای کسانی که در زندگی خویش هیچ یک از هویت‌ها را وارد تصمیم‌گیری و عدل

خویش نمی‌کنند، ندارد. اما جامعه‌ای که در آن آزادی‌های مدنی بسیار بیشتر از وضعیت کنونی باشد، در مقایسه با جامعه‌ای که آزادی‌ها در آن تفاوت چندانی با وضعیت کنونی نداشته باشد، عدم برجستگی هویت کاهش محسوسی را از خود نشان می‌دهد ($Sig=0.001$).

طبق آن چه جدول ۵ نشان می‌دهد، به طور کلی آزادی‌های مدنی تأثیر معنی داری بر فراوانی برجستگی هویت‌های فرهنگی دارد و فرضیه ما در این رابطه تا حدود زیادی تأیید می‌شود. در صورتی که طی چهار الی ده سال آینده، آزادی‌های مدنی کمی بیش از زمان حاضر باشند، هویت دینی تغییر قابل توجهی را از خود نشان نخواهد داد ($Sig=0.652$)، اما با دادن آزادی‌های بیشتر و کاهش شدید محدودیت‌های بیرونی و محیطی، شاهد رنگ‌باخشن هویت دینی و تعلق کمتر مردم به آن خواهیم بود ($Sig=0.005$). بنابراین طبیعی است که در جامعه با آزادی‌های فوق‌العاده، هویت دینی، نسبت به جامعه‌ای که آزادی‌ها به مقدار کمی افزایش پیدا کرده‌اند، نقش کمتری در زندگی مردم خواهد داشت.

اما جملات فوق به این معنی نیست که آزادی‌های مدنی و هویت دینی، به طور مطلق با همدیگر رابطه منفی دارند. بلکه همان‌طور که خواهیم گفت، در صورتی که در کنار افزایش کم آزادی‌های مدنی، ارتباطات درون‌ملی را به میزان زیادی افزایش دهیم، فراوانی برجستگی هویت دینی به شدت بالا خواهد رفت. تأثیر آزادی‌های مدنی بر برجستگی هویت ملی، معنی دار نبوده و لذا در صورتی که آزادی‌های مدنی و احترام به حدود شخصی افراد افزایش پیدا کنند، رویکرد ساکنان این منطقه به هویت ملی، برای چهار الی ده سال آینده تغییری نخواهد یافت ($Sig=0.711, 0.181, 0.083$).

اگر آزادی‌های مدنی تا اندازه کمی افزایش پیدا کند، هویت قومی درون‌مرزی هیچ واکنشی از خود نشان نمی‌دهد ($Sig=0.601$)، اما در صورتی که این آزادی‌ها به صورت دفعی و ناگهانی افزایش پیدا کنند، هویت‌های قومی نیز از برجستگی قابل توجهی برخوردار شده و مردم در ده سال آینده بیش از پیش به هویت قومی درون‌مرزی اهمیت خواهند داد ($Sig=0.015$). همچنین در جامعه‌ای که آزادی‌های آن افزایش چشمگیری داشته باشد، هویت قومی نیز برجستگی بیشتری نسبت به جامعه با آزادی‌های کمتر افزایش یافته خواهد داشت ($Sig=0.000$).

افزایش آزادی‌های مدنی، چه کم و چه زیاد، باعث خواهد شد هویت قومی فرامرزی و توجه به فرهنگ عربی جهانی و تطبیق خود بر اساس سبک و سیاق زندگی مردم کشورهای عربی، رواج بیشتری پیدا کند. چنین تفاوتی حتی در مقایسه میان مدل «افزایش زیاد آزادی‌های مدنی» و «افزایش کم آزادی‌های مدنی» نیز معنی دار است ($Sig=0.000, 0.000, 0.000$).

جدول ۶- نتایج آزمون T و سطح معنی‌داری

هویت فیزیولوژی		هویت فیزی		هویت دینی		هویت اجتماعی		هویت خانوادگی	
df	t	df	t	df	t	df	t	df	t
۰۰۰۰	-۳۰۶	۹۹	-۰٫۷۱۱	۹۹	-۰٫۶۵۲	۹۹	-۰٫۹۴	۹۹	-۱٫۶۸۳
۰۰۰۰	-۱۱٫۹۷	۹۹	۱٫۳۶۶	۹۹	۲٫۹۰۵	۹۹	۰٫۶۳	۹۹	۱٫۸۷۸
۰۰۰۰	-۵٫۲۷	۹۹	۱٫۷۶۸	۹۹	۲٫۶۶۱	۹۹	۰٫۰۱۱	۹۹	۳٫۶۵۲
۰۰۸۱	-۱٫۷۶۶	۹۹	۰٫۲۱۷	۹۹	-۰٫۱۷۳	۹۹	۰٫۰۷۱	۹۹	۱٫۸۲۵
۰۰۰۱	-۲٫۶۱۸	۹۹	۰٫۸۵۰	۹۹	۰٫۳۲۷	۹۹	۰٫۰۰۰	۹۹	۴٫۶۱۰
۰۰۲۳	-۱٫۱۰۵	۹۹	-۰٫۳۲۷	۹۹	۰٫۶۱۳	۹۹	۰٫۰۳۳	۹۹	۲٫۱۶۳
۰۰۲۴	۲٫۲۹۹	۹۹	۰٫۷۶۵	۹۹	-۲٫۱۸۵	۹۹	۰٫۳۴۴	۹۹	-۱٫۱۷۳
۰۰۰۰	-۳٫۶۶۱	۹۹	-۱٫۱۹۲	۹۹	-۲٫۱۹۵	۹۹	۰٫۰۰۵	۹۹	۲٫۸۷۷
۰۰۱۴	۲٫۵۰۸	۹۹	-۱٫۷۰۴	۹۹	۰٫۵۱۱	۹۹	۰٫۰۰۱	۹۹	۳٫۲۷۳
۰۰۱۸	-۰٫۱۰۳	۹۹	۰٫۸۷۵	۹۹	۲٫۱۲۵	۹۹	۰٫۲۷۷	۹۹	-۰٫۳۵۰
۰۰۰۳	۱٫۸۱۱	۹۹	۱۱۰٫۸۹	۹۹	۸٫۶۸۲	۹۹	۰٫۰۰۴	۹۹	۲٫۹۶۸
۰۰۱۰	۱٫۶۱۳	۹۹	۲٫۱۳۳	۹۹	۴٫۶۸۳	۹۹	۰٫۰۰۹	۹۹	۲٫۶۸۹
۰۰۰۲	-۳٫۲۲۶	۹۹	۵٫۶۶۴	۹۹	-۰٫۰۴۰	۹۹	۰٫۱۱۵	۹۹	-۱٫۸۸۱
۰۰۰۸	-۱٫۷۱۷	۹۹	۰٫۵۸۹	۹۹	۳٫۶۶۷	۹۹	۰٫۳۳۹	۹۹	۰٫۹۶۲
۰۰۳۰۸	۱٫۰۲۵	۹۹	۲٫۸۳۳	۹۹	۳٫۱۷۰	۹۹	۰٫۰۳۳	۹۹	۲٫۱۶۵

ب- جهانی‌سازی

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، برای آزمودن تأثیر جهانی‌سازی بر روی هویت‌های فرهنگی، در کنار مدل استاندارد، دو مدل «جهانی‌شدن کم» و «جهانی‌شدن زیاد» ساخته شد. جهانی‌سازی از طریق پارامترهای «حداقل سوگیری»، «حداکثر سوگیری»، «بی‌ثباتی سوگیری» و «فاکتور پیش‌بینی‌ناپذیری» عملیاتی شده و تفاوت مدل‌ها در این پارامترها می‌باشد (جدول ۲).

جدول ۲- تأثیر جهانی‌سازی بر فراوانی برجستگی هویت‌ها

فراوانی برجستگی هویت قومی فرامرزی	فراوانی برجستگی هویت قومی درون‌مرزی	فراوانی برجستگی هویت ملی	فراوانی برجستگی هویت دینی	فراوانی «عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی»	نوع مدل
۳۶,۸۹	۸۸,۲۴	۱۶۸,۸۱	۱۸۵,۶۲	۱۰,۱۸	استاندارد
۵۲,۳	۷۴,۵۸	۱۵۸,۱۷	۱۸۷,۲۹	۶,۴	جهانی‌سازی کم
۶۶,۴۳	۸۱,۰۳	۱۶۶,۸	۱۷۹,۷۸	۲,۸۶	جهانی‌سازی زیاد

اگر ورود کشور ما به فرایند جهانی‌سازی، نسبت به وضعیت کنونی اندکی افزایش یابد، تغییر معنی‌داری در موضوع «عدم برجستگی هویت» رخ نمی‌دهد ($Sig=0.071$)، اما اگر به صورت دفعی شدت جهانی‌سازی افزایش یابد و کشور مدت ده سال در موقعیتی ادامه‌مسیر دهد، به طوری که زمینه‌انتخاب و گزینش در بازار متنوع و پرسرعت جهانی فرهنگ به صورت گسترده فراهم باشد، پس از آن شاهد کاسته‌شدن تعداد کسانی خواهیم بود که نسبت به هیچ یک از هویت‌های دینی، ملی، قومی درون‌مرزی و قومی فرامرزی توجه نشان نمی‌دهند، که به معنای فعال و پررنگ‌شدن نقش یکی از هویت‌های چهارگانه در زندگی آن‌هاست ($Sig=0.000$). تفاوت این جامعه پس از ده سال حتی با جامعه‌ای که جهانی‌سازی در آن افزایش قابل ملاحظه‌ای نیافته، نیز معنی‌دار می‌باشد ($Sig=0.033$).

بر اساس شییه‌سازی‌های صورت گرفته، جهانی‌سازی تقریباً بر هیچ یک از هویت‌های فرهنگی دینی، ملی و قومی درون‌مرزی تغییر و تحول معنی‌داری از خود به جای نمی‌گذارد. به عبارت دیگر هر قدر کشور و دولت ما وارد سیستم و قواعد بازی جهانی شده، تفکرات، اعتقادات و سبک و روش‌های زندگی دیگر تمدن‌ها و

فرهنگ‌ها را در مجموعه انتخاب‌های شهروندان خویش قرار دهد، باز هم تأثیری بر روش زندگی و معیار و اساس آن، که هویت‌های دینی، ملی و قومی درون‌مرزی است، نخواهد گذاشت. اما هنگامی که کشور با شدت زیادی وارد فرایند جهانی‌سازی می‌شود، در مقایسه با وضعیتی که وارد آن نشده‌ایم، هویت قومی فرامرزی از برجستگی قابل توجهی برخوردار می‌شود (Sig=0.010).

ج- ارتباطات درون‌ملی

برای آزمودن تأثیر و عملیاتی نمودن مفهوم ارتباطات به طور کلی و وارد کردن آن در مدل کامپیوتری از ابزار احتمال همسایگی^۱ در مدل استفاده گردید. برای آزمودن تأثیر ارتباطات درون‌ملی، دو مدل ساخته شد که در اولی احتمال همسایگی ساکنان سایر نقاط کشور، ۵۰٪ و در دومی ۱٪ می‌باشد.

جدول ۸- تأثیر ارتباطات درون‌ملی بر فراوانی برجستگی هویت‌ها

نوع مدل	فراوانی «عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی»	فراوانی برجستگی هویت دینی	فراوانی برجستگی هویت ملی	فراوانی برجستگی هویت قومی درون‌مرزی	فراوانی برجستگی هویت قومی فرامرزی
استاندارد	۱۰,۱۸	۱۸۵,۶۲	۱۶۸,۸۱	۸۸,۲۴	۳۶,۸۹
ارتباط درون‌ملی کم	۱۳,۰۲	۲۶۰,۲۷	۱۵۵,۱۷	۳۰,۱۶	۲۵,۷۸
ارتباط درون‌ملی زیاد	۵,۷۹	۲۴۵,۲۸	۲۰۱,۳۹	۲۰,۷۴	۲۰,۹۸

هنگامی که ارتباطات درون‌ملی به میزان کمی افزایش می‌یابد، تغییر محسوسی در «عدم برجستگی هویت» در میان مردم عرب خوزستان رخ نمی‌دهد (Sig=0.244). اما هنگامی که ارتباطات این مردم با سایر هموطنان خویش به طور قابل توجهی گسترش یابد، «عدم برجستگی هویت» در میان آن‌ها کاهش معنی‌داری پیدا خواهد کرد (Sig=0.005). تفاوت میان این حالت، حتی در مقایسه با وضعیتی که ارتباطات با سایر اقوام به میزان کمتری فزونی یافته، نیز معنی‌دار می‌باشد (Sig=0.001).

هنگامی که مردم خوزستان با ساکنان دیگر نقاط کشور، ارتباطات خود را به هر میزان (کم یا زیاد) افزایش دهند و با آن‌ها، به انحاء و روش‌های مختلف، وارد تعامل و ارتباط بیشتر شوند، این امر می‌تواند برجستگی هویت دینی و اسلامی را در میان آن‌ها به دنبال داشته و بعد دینی را در سبک و سیاق زندگی آن‌ها پررنگ‌تر نماید ($Sig=0.002,0.03$)، اما این ارتباطات به هر میزان که افزایش یابد، تأثیری در اندازه افزایش برجستگی هویت دینی نخواهد گذاشت ($Sig=0.611$).

بر خلاف انتظار ارتباطات درون ملی و تعامل فرهنگی با دیگر ساکنان کشور، در هر سطحی، به هیچ وجه در هویت ملی افراد تأثیر نمی‌گذارد ($Sig=0.56,0.236,0.091$). همان‌طور که پیش از این گفته شد، نتایج به‌دست آمده و مقایسه‌های صورت گرفته و به تبع آن رد یا پذیرش فرضیات تحقیق، مربوط به گام دویستم زمانی است. از آن‌جا که متفکرین بسیاری معتقدند که ارتباطات درون ملی قطعاً تأثیر (مثبت یا منفی) بر هویت ملی دارد، لذا نتیجه به‌دست آمده این‌گونه تفسیر شد که احتمالاً زمان بیشتری طول می‌کشد تا ارتباط درون ملی در ایران بر هویت ملی تأثیر معنی‌داری را از خود به جای بگذارد. لذا تصمیم گرفته شد مدل‌های سه‌گانه فوق را تا گام زمانی ۴۰۰ اجرا و تأثیر این متغیر را ارزیابی نماییم، اما نتایج به‌دست آمده باز هم این تأثیر را رد کردند ($Sig=0.708,0.135,0.305$).

اما هویت قومی درون‌مرزی، به شدت با افزایش ارتباطات درون ملی به هر میزان (کم یا زیاد) کاهش می‌یابد ($Sig=0.000,0.000$)، و این کاهش حتی در مقایسه میان افزایش زیاد این ارتباطات با افزایش کم آن خود را نشان می‌دهد ($Sig=0.024$). این به معنای آن است که هر قدر ارتباطات میان فرهنگ‌های بومی مختلف کشور را افزایش دهیم و آن‌ها را به همدیگر معرفی نماییم و زمینه‌ها و جاذبه‌های ایرانگردی را بیشتر فراهم نماییم، پس گذشت حدود چهار تا ده سال، هویت قومی و فرهنگ بومی عربی نقش کمتری را در زندگی مردم عرب خوزستان بازی خواهد کرد.

ارتباط با سایر اقوام اثر مشابهی بر روی هویت قومی فرامرزی خواهد گذاشت، به طوری که افزایش ارتباطات درون ملی به هر اندازه، کاهش فراوانی برجستگی هویت قومی فرامرزی، در مقایسه با مدل استاندارد را به دنبال خواهد داشت ($Sig=0.024,0.000$). و در مدلی که ارتباطات به میزان زیادی در مدل وارد شده باشند، باز هم در مقایسه با مدلی که ارتباطات کمتر وارد شده است، هویت قومی فرامرزی تضعیف می‌شود ($Sig=0.014$)، این است که تقویت شبکه ارتباطات با ساکنان و شهروندان دیگر نقاط کشور و

گسترش تعاملات فرهنگی با آن‌ها، نقش هویت عربی جهانی را پس از مدت چهار تا ده سال در زندگی مردم عرب خوزستان کم رنگ خواهد نمود.

بنابراین در مجموع افزایش ارتباطات مردم عرب خوزستان با بقیه قومیت‌های کشور در آینده، فراوانی برجستگی هویت دینی آن‌ها را افزایش داده و باعث کاهش فراوانی برجستگی هویت‌های قومی درون‌مرزی و فرامرزی می‌شود، اما تأثیر معنی‌داری بر هویت ملی آن‌ها نخواهد داشت.

۵- ارتباطات فراملی - فرصت یکسان

برای آزمودن تأثیر این متغیر بر روی آینده هویت‌های فرهنگی، دو مدل با احتمال همسایگی ۰/۱ و ۱/۰ ساخته شد. آیا ارتباطات فراملی - فرصت یکسان تأثیر معنی‌داری بر روی هویت‌های فرهنگی خواهد گذاشت؟

جدول ۹- تأثیر ارتباطات فراملی - فرصت یکسان بر فراوانی برجستگی هویت‌ها

فراوانی برجستگی هویت قومی فرامرزی	فراوانی برجستگی هویت قومی درون‌مرزی	فراوانی برجستگی هویت ملی	فراوانی برجستگی هویت دینی	فراوانی عدم برجستگی هویت فرهنگی جمعی	نوع مدل
۳۶,۸۹	۸۱,۲۴	۱۶۸,۸۱	۱۸۵,۶۲	۱۰,۱۸	استاندارد
۳۷,۸۴	۱۲,۲۸	۱۵,۹۴	۱۳۴,۷۶	۱۰,۹۵	ارتباط فراملی، فرصت یکسان کم
۲۰,۵۶	۱,۸۶	۲,۰۸	۳۷,۰۵	۴,۸۷	ارتباط فراملی، فرصت یکسان زیاد

با افزایش ارتباطات فراملی - فرصت یکسان به میزان کم، تغییری در «عدم برجستگی هویت» رخ نمی‌دهد (Sig=0.727)، اما هنگامی که این ارتباطات با خارج از کشور به میزان قابل توجهی افزایش یابد، تأثیر کاهنده معنی‌داری بر روی این پدیده خواهد داشت (Sig=0.004) و این کاهش حتی در مقایسه با مدلی که این ارتباطات به میزان کمی افزایش پیدا می‌کنند نیز معنی‌دار است (Sig=0.009). بدین ترتیب تأثیر کلی و نهایی مسافرت به کشورهای مختلف دنیا، برقراری ارتباط با آن‌ها، و تجربه همه فرهنگ‌های دنیا، به میزان زیاد و بدون قابل شدن به اولویت و تفاوت بین آن‌ها، برای مردم عرب خوزستان پس از چهار تا ده سال، آن است که

از این مسأله‌رهایی یافته و در زندگی خویش نقش بیشتری برای حداقل یکی از هویت‌های فرهنگی چهارگانه قابل شوند.

ارتباطات فراملی - فرصت یکسان به هر میزان (کم یا زیاد) تأثیر کاهنده شدیدی بر روی فراوانی برجستگی هویت‌های دینی (Sig=0.036, 0.000)، ملی (Sig=0.000, 0.000) و قومی درون‌مرزی (Sig=0.000, 0.000) خواهد گذاشت و این کاهش حتی در مقایسه میان مدل‌های با ارتباطات کم و زیاد نیز خود را نشان می‌دهد (Sig=0.000, 0.002, 0.000). اما ارتباطات فراملی - فرصت یکسان تأثیر معنی‌داری روی فراوانی برجستگی هویت قومی فرامرزی ندارد (Sig=0.918, 0.073, 0.110)، بنابراین مردم این قومیت اگر به طور همسان با کشورهای مختلف ارتباط برقرار کنند، به سرزمین آن‌ها سفر کنند و با فرهنگ و آداب و رسوم آن‌ها آشنا شوند، برای آینده نزدیک (چهار تا ده سال)، نقش هنجارها و آداب و رسوم دینی و اسلامی در زندگی مردم کم رنگ می‌شود، همچنین احساس هویت و افتخار ملی و زندگی بر اساس آداب و رسوم ملی کاهش می‌یابد، و در نهایت حتی هویت قومی و عربی محلی نیز جایگاه و تأثیر خود را در نحوه فکر و عمل مردم از دست می‌دهد، اما برجستگی هویت قومی فرامرزی تغییر محسوسی از خود نشان نخواهد داد.

ه- ارتباطات فراملی - فرصت متفاوت

برای آزمودن تأثیر این متغیر بر روی آینده‌هویت‌های جمعی، به مانند ارتباطات فراملی - فرصت یکسان، دو مدل با احتمال همسایگی ۰.۵٪ و ۱٪ ساخته شد، با این تفاوت که در هر قومیت داخل کشور احتمال همسایگی برای قومیت مشابه خارج از کشور تعریف می‌شود.

جدول ۱۰- تأثیر ارتباطات فراملی- فرصت متفاوت بر فراوانی برجستگی هویت‌ها

نوع مدل	فراوانی «عدم برجستگی هویت»	فراوانی برجستگی هویت دینی	فراوانی برجستگی هویت ملی	فراوانی برجستگی هویت قومی درون‌مرزی	فراوانی برجستگی هویت قومی فرامرزی
استاندارد	۱۰,۱۸	۱۸۵,۶۲	۱۶۸,۸۱	۸۸,۲۴	۳۶,۸۹
ارتباط فراملی، فرصت متفاوت کم	۱۴,۱۷	۱۸۶,۶۴	۵۹,۶۵	۳۴,۹۹	۸۰,۲۲
ارتباط فراملی، فرصت متفاوت زیاد	۸,۲۹	۱۰۴,۲۶	۱۷,۱۱	۹,۴۹	۶۱,۲۴

اگر ارتباطات خارجی قومیت عرب خوزستان محدود به هم‌زبان آنها، به مدت چهار تا ده سال نسبت به میزان کنونی، چه کم و چه زیاد، افزایش داده شود، هیچ تأثیری بر مسأله «عدم برجستگی هویت» در آن‌ها نخواهد گذاشت و فرضیه ما در این قسمت رد می‌شود ($Sig=0.115, 0.339$)، اما در جامعه‌ای که در آن این ارتباطات بسیار بیشتر از وضعیت کنونی باشد، در مقایسه با جامعه‌ای که ارتباطات کمتر افزایش یافته باشد، «عدم برجستگی هویت» کاهش محسوسی را از خود نشان می‌دهد و به عبارت دیگر حضور ارتباطات با اقوام مشابه می‌تواند در تغییر این مسأله تعیین‌کننده باشد ($Sig=0.033$).

هنگامی که ارتباطات فراملی- فرصت متفاوت به میزان کمی افزایش پیدا کند، و قومیت عرب خوزستان، روابط خود با قومیت هم‌زبان در خارج از کشور را تا حدی افزایش دهد، تأثیری بر روی هویت دینی نخواهد گذاشت ($Sig=0.968$). اما اگر این روابط در حد زیاد به مدت ده سال تجربه شوند، پس از این مدت شاهد کاهش معنی‌دار هویت دینی خواهیم بود ($Sig=0.000$). حتی میزان متفاوت افزایش ارتباطات با هم‌زبانان خارجی، نیز تأثیر متفاوتی بر روی هویت دینی خواهد گذاشت؛ به طوری که اگر این افزایش نسبت به مدل استاندارد، زیاد باشد، تأثیر کاهنده بیشتری نسبت به حالتی که افزایش، کم باشد خواهد گذاشت ($Sig=0.001$).

فراوانی برجستگی هویت‌های ملی و قومی درون‌مرزی بر اثر افزایش ارتباطات فراملی- فرصت متفاوت به شدت کاهش یافته و این کاهش کاملاً معنی‌دار می‌باشد. به عبارت دیگر هنگامی که تعاملات مردم با هم‌زبانان

خارجی خویش به هر میزان (کم یا زیاد) افزایش باید و برای مدت چهار تا ده سال این روابط را تجربه نمایند، پس از این مدت، هويت ملی (Sig=0.000, 0.000) و نیز هويت عربی بومی و محلی (Sig=0.000, 0.000) خویش را فراموش کرده و از نقش آن‌ها در زندگی خود می‌کاهند. همچنین افزودن زیاد تعاملات میان مردم عرب خوزستان، با عرب‌های آن‌طرف مرز نیز تأثیر کاهنده بیشتری بر روی هويت‌های ملی و قومی درون‌مرزی، نسبت به افزودن کم آن‌ها، خواهد داشت (Sig=).

در صورتی که ارتباطات فراملی مردم عرب خوزستان و مراوده آن‌ها با هم‌زبانان در خارج از کشور به اندازه کمی افزایش پیدا کند، تأثیر مثبت و تقویت‌کننده بر روی هويت قومی فرامرزی خواهد گذاشت (Sig=0.002). اما جالب آن‌است که اگر این ارتباطات بیشتر از این زیاد شوند، تأثیر خود بر روی هويت مزبور را از دست خواهند داد (Sig=0.089) و حتی میان افزایش بسیار این ارتباطات و افزایش کمتر آن‌ها نیز تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود (Sig=0.308).

و- تأثیر تعاملی ارتباطات درون‌ملی و آزادی‌های مدنی

جهت بررسی تأثیر تعاملی افزایش این دو متغیر، چهار مدل ساخته شد که مشخصات آن‌ها در جدول ۳ آورده شده است. آیا افزایش هم‌زمان و تعاملی ارتباطات درون‌ملی و آزادی‌های مدنی هويت‌های فرهنگی را به طور معنی‌داری تحت تأثیر قرار خواهد داد؟ جدول‌های ۱۸ و ۱۹ پاسخ این سؤال را روشن می‌سازند.

جدول ۱۱: تأثیر تعاملی ارتباطات درون ملی و آزادی‌های مدنی بر روی فراوانی برجستگی هويت‌ها

فراوانی برجستگی هويت قومی فرامرزی	فراوانی برجستگی هويت قومی درون‌مرزی	فراوانی برجستگی هويت ملی	فراوانی برجستگی هويت دینی	فراوانی عدم برجستگی هويت	نوع مدل
۲۶,۸۹	۸۸,۲۴	۱۶۸,۸۱	۱۸۵,۶۲	۱۰,۱۸	استاندارد
۵۹,۷۱	۵۷,۳۴	۱۵۷,۷۵	۲۱۳,۹۴	۱۹,۵۶	ارتباط درون‌ملی کم-آزادی کم
۱۱۱,۷۱	۱۱۶,۱۵	۱۲۴,۸۲	۱۳۲,۸۲	۶,۸۷	ارتباط درون‌ملی کم-آزادی زیاد
۳۸,۵	۳۹,۴۷	۱۳۸,۵۷	۲۴۴,۸۶	۱۲,۷۴	ارتباط درون‌ملی زیاد-آزادی کم
۸۵,۸	۸۷,۵۹	۱۳۲,۲۲	۱۸۶,۴۲	۳,۲۲	ارتباط درون‌ملی زیاد-آزادی زیاد

در صورتی که به مدت چهار تا ده سال، مردم عرب خوزستان به میزان کمی با سایر ساکنان و شهروندان استان‌های دیگر ارتباط برقرار کنند و در عین حال فضای آزادی‌های فردی و احترام به اراده و اختیار فرد در حد **قلیلی** افزایش یابد، پس از این مدت، نتیجه آن افزایش شدید و حداکثری^(۱۰) تعداد کسانی است که برای هیچ یک از هویت‌های جمعی خود نقش و جایگاهی در زندگی قایل نیستند ($Sig=0.004$). اما اگر در این دوره زمانی، تبادل فرهنگی و مراد به اقوام دیگر به میزان **زیادی** افزایش یابد و همزمان آزادی‌های مدنی نیز تا حد **زیادی** بالا رود و اراده فردی اشخاص در زندگی آن‌ها نفوذ زیادی پیدا کند، نتیجه آن کاهش شدید مسأله «عدم برجستگی هویت فرهنگی» بوده و تعداد کسانی که با آن مواجه هستند را به حداقل می‌رساند.

اگر تعامل و ارتباط فرهنگی با دیگر اقوام به میزان **زیادی** تقویت شده و در عین حال فضای جامعه تا حد کمی نسبت به وضعیت کنونی، امکان زندگی بر اساس اراده و اختیار فردی اشخاص را بالا ببرد، در آن صورت پس از این مدت آدم‌ها بیش از پیش و در حد بالایی دین و تعالیم آن را معیار و پایه زندگی خود قرار داده و خود را مقید به آن خواهند دانست ($Sig=0.009$). اما اگر این تعامل و ارتباط به اندازه کمی افزایش یابد و همزمان فضای اراده آزاد و زندگی مبتنی بر تصمیم شخصی به میزان بالایی فراهم آید، در آن صورت جامعه مورد مطالعه به سمتی خواهد رفت که دین را کنار گذاشته و کمتر زندگی خود را بر پایه آن مبتنی خواهد نمود ($Sig=0.001$).

بنابراین آزادی‌های مدنی به طور مطلق، هویت دینی را تضعیف نمی‌کنند، بلکه بالعکس اگر با سیاست افزایش ارتباطات میان اقوام همراه گردند، موجب تقویت آن خواهند شد.

فراوانی برجستگی هویت ملی با هر نوع افزایش تعاملی ارتباطات درون ملی و آزادی‌ها کاهش می‌یابد. اما این کاهش بیش از همه هنگامی رخ می‌دهد که ارتباط با دیگر اقوام به میزان کم و آزادی‌های مدنی به میزان **زیادی** افزایش یابند ($Sig=0.005$) که در آن صورت مردم این استان، پس از مدت چهار تا ده سال، به شدت از هویت ملی دور شده و آداب و رسوم آن را کنار خواهند گذاشت.

فراوانی برجستگی هویت قومی درون مرزی در اثر افزایش کم ارتباطات درون ملی و افزایش زیاد آزادی‌های مدنی به بالاترین مقدار خود رسیده که تفاوت آن در مقایسه با مدل استاندارد کاملاً معنی‌دار است ($Sig=0.004$). اما در مدلی که افزایش ارتباطات درون ملی، زیاد و افزایش آزادی‌های مدنی، کم باشد، فراوانی برجستگی این هویت به حداقل خود می‌رسد که تفاوت آن نسبت به مدل استاندارد کاملاً معنی‌دار

می‌باشد ($Sig=0.000$). بنابراین اگر مردم این منطقه به میزان کمی ارتباطات و تعامل خود را با دیگر استان‌های کشور بالا ببرند و در کنار آن از فضای بسیار آزاد برای تصمیم‌گیری درباره نحوه زندگی و اعمال خویش برخوردار باشند، در آن صورت پس از مدت زمان چهار تا ده سال، از هویت قومی و عربی بومی خویش و آداب و رسوم و فرهنگ آن دور خواهند شد. اما بالعکس اگر این ارتباطات در سطح وسیعی رخ دهد و آزادی‌ها به میزان کم افزایش یابد، مردم بیش از پیش هویت قومی و عربی محلی خود را بها داده و پایه‌های زندگی خود را بر اساس آن بنا خواهند نمود.

هویت قومی فرامرزی، عمدتاً در اثر افزایش ارتباطات درون‌ملی و آزادی‌های مدنی تقویت می‌شود. اما برجستگی این هویت هنگامی بیشتر به چشم می‌خورد که برقراری ارتباط با سایر استان‌ها در حد کم و آزادی زندگی بر مبنای عقاید خویش به میزان زیادی افزایش یافته باشد ($Sig=0.000$). مینیمم فراوانی برجستگی این هویت در همان حالت استاندارد اتفاق می‌افتد، با این توضیح که افزایش زیاد ارتباطات به همراه افزایش کم آزادی‌ها، مقدار این فراوانی را مشابه حالت استاندارد می‌کند ($Sig=0.752$).

خلاصه و نتیجه

اگر روند ملی و جریان‌های ملی و جهانی به سمت آزادی بیشتر، ارتباطات فراگیرتر و جهانی‌سازی پرشتاب‌تر پیش رود، از نگاه پژوهش حاضر و از نظر شییه‌سازی‌های صورت گرفته، چه اتفاقی برای هویت‌های فرهنگی در خوزستان خواهد افتاد و به طور خاص تحت کدام یک از روندها و شرایط فوق، مسأله عدم برجستگی هویت‌ها و نیز برجستگی هر یک از هویت‌های فرهنگی، حداکثر و حداقل مقادیر خود را پیدا خواهند کرد؟ پیش از آن که بخواهیم وارد بحث فوق شویم، مرور نتایج به دست آمده ما را به ذکر دو مطلب وامی‌دارد: اول آن که شییه‌سازی‌ها به ما نشان می‌دهند که شدت گرفتن فرایند جهانی‌سازی تأثیری بر روی هویت‌های ملی و قومی درون‌مرزی این استان ندارد. به تعبیر گوندر فرانک اگر «مک دونالدی شدن» و «جهانی شدن» شیوه زندگی آمریکایی و به تعبیری یکسان‌سازی فرهنگی یک روی نظریه مرکز-پیرامون باشد، روی دیگر آن «جهاد علیه دنیای مک دونالد» و روی آوردن به هویت‌های محلی و بومی است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۳۶). چنان که کاستلز در کتاب عصر اطلاعات می‌گوید، در برابر ساختار متحول جامعه شبکه‌ای امروزین با سه نوع

هویت مواجه می‌شویم: هویت مشروعیت‌بخش (مثل ملی)، هویت مقاومت (مثل قومی)، و هویت برنامه‌دار (مثل جنبش زنان) (کاستلز، ۱۳۸۲).

اما سؤالی که وجود دارد آن است که آیا هویت‌های محلی و منطقه‌ای جهان آینده، همان هویت‌های محلی فعلی هستند که دوباره سربرمی‌آورند؟ به اعتقاد نگارنده فرایند جهانی‌سازی به تدریج دسته‌بندی‌ها، گروه‌بندی‌ها و مرزبندی میان انسان‌ها را با نمایان‌ساختن تشابهات و تفاوت‌های جدید، بازتعریف کرده و مرزهای جدیدی میان انسان‌ها خواهد کشید. به عبارت دیگر، بر خلاف اعتقاد برخی متفکرین که جهانی‌سازی را عامل یکسان‌سازی انسان‌ها و هویت‌هایشان می‌داند، در آینده شاهد ایجاد و خلق هویت‌های فرهنگی متفاوت و جدیدی خواهیم بود، که جایگزین هویت‌های کنونی شده و انسان‌ها بر اساس آن‌ها خود و دیگران را شناخته و تعریف می‌نمایند. اما از آن‌جا که مدل شینه‌سازی به کار رفته به گونه‌ای طراحی نشده که هویت‌های جدیدی در طول زمان به مجموعه هویت‌های جهان اضافه نموده و یا از آن حذف کند، لذا شاهد برجستگی هویت‌های جدید در عاملان مدل نبودیم و به جای هویت‌های جدید، در جامعه مصنوعی ساخته شده، همان هویت‌های قبلی ابقا می‌شوند. بنابراین ورای ملاحظات مزبور، نتیجه قطعی شیه‌سازی‌ها آن است که جهانی‌سازی موجب یکسان‌سازی نخواهد شد، بلکه هویت‌های جمعی، تنوع و گونه‌گونی خویش را حفظ خواهند کرد.

دوم آن که اگر بخواهیم مقایسه‌ای میان «ارتباطات فراملی - فرصت یکسان» و «ارتباطات فراملی - فرصت متفاوت» داشته باشیم، هر دو روند بر روی «عدم برجستگی هویت فرهنگی» و «برجستگی هویت‌های دینی، ملی و قومی درون‌مرزی تأثیری کاهنده دارند، اما اولی تأثیر کاهندگی بیشتری خواهد داشت. در حالی که «ارتباطات فراملی - فرصت متفاوت» باعث افزایش فراوانی برجستگی هویت قومی فرامرزی می‌شود، ارتباطات فراملی - فرصت یکسان تغییر محسوسی در هویت قومی فرامرزی ایجاد نمی‌کند.

در پاسخ به سؤال مطرح شده؛ درباره «عدم برجستگی هویت فرهنگی» باید گفت، در صورتی که کشور با شدت زیاد و به صورت دفعی وارد روند جهانی‌سازی شود و با آن همراه گردد، از تعداد کسانی که به هیچ یک از هویت‌های فرهنگی موجود اهمیت و توجه نشان نمی‌دهند، بسیار کاسته می‌شود. به طوری که می‌توان گفت جهانی‌سازی در میان روندهای گوناگون بررسی شده، این پدیده را به حداقل ۲,۸۶ خواهد رساند. (جدول ۷). اما در صورتی که فضای ارتباطات میان اقوام و ساکنان نقاط مختلف تا اندازه کمی افزایش

پیدا کند و این فضا با سیاست آزادی فکر و عقیده تا اندازه‌ای همراه گردد، آن‌گاه شاهد گسترش حداکثری ۱۹,۵۶ این مسأله خواهیم بود (جدول ۱۱).

ارتباط، مراوده و سفر به دیگر نقاط کشور و برقراری تماس نزدیک با ساکنان استان‌های مختلف، در صورتی که تا حد قلیلی زیاد شود، موجب خواهد شد که هویت دینی به بیشترین برجستگی خویش در آینده برسد (۲۶۰,۲۷) (جدول ۸) اما اگر مردم عرب خوزستان ارتباطات خارجی خود را به میزان زیادی افزایش دهند و با همه فرهنگ‌ها و ملل تماس برقرار کنند، طی سال‌های آتی همه هویت‌های دینی (۳۷,۰۵)، ملی (۲,۰۸) و قومی درون‌مرزی (۱,۸۶) (جدول ۹)، یعنی همه هویت‌های داخلی، دچار رکود و ضعف شدید شده و به حداقل خویش خواهند رسید.

نکته جالب آن که اگر در حالی که ارتباطات و تماس‌های قومیت‌های عرب خوزستان با سایر اقوام، تا اندازه کمی افزایش یافته، در کل کشور فضای آزادی‌های مدنی به شدت گسترش یابد، هویت‌های قومی درون‌مرزی (۱۱۶,۱۵) و فرامرزی (۱۱۱,۷۱) (جدول ۱۱)، هر دو به نقطه حداکثری خود خواهند رسید.

یادداشت‌ها

۱. تعریف به دست آمده از این مفهوم مشابهت بسیار با مفهوم هویت فرهنگی جمعی دارد و لذا به جهت پرهیز از تکرار و طولانی شدن مطلب، از بیان آن پرهیز می‌نمایم.
۲. جوهره اصلی فرهنگ از دیدگاه چلبی، علامت، اندیشه‌ها و روابط منطقی و اجتماعی (از نوع بارز گفتمانی) بین آن‌ها است. از دید وی فرهنگ را به طور تحلیلی می‌توان به دوازده عنصر اساسی تجزیه نمود: ۱. تمثال؛ ۲. شاخص؛ ۳. نماد؛ ۴. باور؛ ۵. ارزش؛ ۶. تکلیف؛ ۷. فن؛ ۸. نفع معرفتی؛ ۹. کنش ارزشی؛ ۱۰. کنشگر؛ ۱۱. رابطه منطقی و ۱۲. رابطه گفتمانی (چلبی، ۱۳۷۵، ۵۸).
۳. به متن گزارش تحقیق مراجعه نمایید؛ عالمی، مسعود (۱۳۸۳) مطالعه میزان برجستگی هویت‌های فرهنگی جمعی و پیش‌بینی آینده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما؛ مسعود چلبی، استاد مشاور؛ فرامرز رفیع‌پور (منتشر نشده).
۴. در مدل‌سازی، مدل فرایند گروهی یا شخصی را می‌سازند آن‌گاه با تغییر دادن متغیرها و روابط آن‌ها اثر این تغییر را روی فرایند می‌بینند و می‌سنجند.
۵. برای توضیحات بیشتر به گزارش این پژوهش مراجعه نمایید.
۶. چگونگی عملیاتی کردن، وضعیت قبل از رضاخان و نیز خود روی کار آمدن او و همچنین عملیاتی کردن انقلاب اسلامی در مدل کامپیوتری Ps-I و نیز آمار، ارقام و سطوح معنی‌داری به طور مفصل در تحقیق مزبور شرح داده شده است.
۷. علاقمندان می‌توانند جهت مطالعه فرایند مزبور به اصل تحقیق مراجعه نمایند.
۸. برای بقیه مناطق داخل و خارج کشور، نیز از همین استناد استفاده شده است.
۹. مقصود هشت عاملی است که بلافاصله در اطراف یک عامل قرار دارند (Gilbert, 1999).
۱۰. حداکثر و حداقل برای «عدم برجستگی هویت» در میان پنج مدل تأثیر تعاملی آزادی‌های مدنی و ارتباطات درون‌ملی مدنظر است.

فهرست منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷): *ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران، نشر مرکز.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵): *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه.
- جولیوس، گولد و کولب، ویلیام. ل. (۱۳۷۶): *فرهنگ علوم اجتماعی*، ویراسته محمدجواد زاهدی، مازندرانی، تهران، انتشارات مازیار.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵): *جامعه‌شناسی نظم؛ تحلیل و تشریح نظری نظم اجتماعی*. تهران، نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۰): *بررسی هویت قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای (ملی)*، جلد اول، پژوهشی برای وزارت کشور، (منتشر نشده).
- حیدری ییگونند، داریوش (۱۳۸۰): «مسئله بحران هویت جوانان»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ویژه‌نامه دومین همایش مسایل اجتماعی ایران، صص ۱۱۱-۱۰۱.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۱): «تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی»، *رساله دوره دکتری جامعه‌شناسی*، دانشگاه تربیت مدرس.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۵): *کتب و کاواها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ریترو، جورج (۱۳۷۷): *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵- نتایج تفصیلی استان خوزستان، تاریخ انتشار: مهر ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵- نتایج تفصیلی شهرستان آبادان، تاریخ انتشار: آذر ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵- نتایج تفصیلی شهرستان اهواز، تاریخ انتشار: آذر ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵- نتایج تفصیلی شهرستان بندر ماهشهر، تاریخ انتشار: آذر ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵- نتایج تفصیلی شهرستان خرمشهر، تاریخ انتشار: آذر ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵- نتایج تفصیلی شهرستان دشت آزادگان، تاریخ انتشار: آذر ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵- نتایج تفصیلی شهرستان شادگان، تاریخ انتشار: آذر ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵- نتایج تفصیلی شهرستان شوش، تاریخ انتشار: آذر ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.

- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ - نتایج تفصیلی شهرستان شوشتر، تاریخ انتشار: آذر ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
- سیادت، موسی (۱۳۷۹): تاریخ خوزستان از دوره افشاریه تا دوره معاصر، دفتر خدمات چاپ و نشر عصر جدید.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۲): عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
- کسروی، احمد (۱۳۳۰): تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران، انتشارات نگاه مطبوعاتی گوتبرگ.
- کورتز، نورمن آر. (۱۳۷۴): مقدمه‌های بر آمار در علوم اجتماعی، ترجمه حبیب‌الله تیموری، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶): جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰): تحولات قومی در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.

الوردی، علی (۱۳۷۱ ش): درسه فی طبیعه المجتمع العراقي؛ هل یختلف العرب عن غیرهم من الامم و هل یختلف اهل العراق عن غیرهم من العرب؟، قم، انتشارات الشریف الرضی.

برکات، حلیم (۲۰۰۰): المجتمع العربی فی القرن العشرين؛ بحث فی تغییر الاحوال و العلاقات، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربیه.

- Abrams, D., & Hogg, M. A. (1990): "An Introduction to the Social Identity Approach", In Abrams, D., & Hogg, M. A., ed., *Social Identity Theory: Constructive and Critical Advances* (New York: Harvester Wheatsheaf, 1990), pp. 3-9.
- Alba, R.D.(1992): "Ethnicity", In Borgatta, E. F. & Borgatta, M. L. ed., *Encyclopedia of Sociology*, New York: Macmillan Publishing Company, Vol. 2, pp. 575-584.
- Anderson, W. T. (1999): *The Two Globalizations: Notes on a Confused Dialogue*. *Futures*, 31, pp. 897-903.
- Bauman, Z. (1998): *Globalization: The Human Consequences*. Columbia University Press, New York.
- Bechhofer, F., McCrone, D., Kiely, R. & Stewart, R. (1999): *Constructing National Identity: Arts and Landed Elites in Scotland*. *Sociology*, Vol. 33, No. 3, pp. 515-534.
- Bhushan, B. (1997): *Dictionary of Sociology*. ANMOL Publications Pvt Ltd., New Delhi.
- Blalock, H. M. (1972): *Social Statistics*, McGraw-Hill, New York.
- Brewer, M. B. (1999): "Multiple Identities and Identity Transition: Implication for Hong Kong", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 23, No. 2, pp. 187-197.

- Burke, P. J. (1991): "Identity Processes and Social Stress", *American Sociological Review*, Vol. 56, December, pp. 836-849.
- Collier, M. J. (1997): "Researching Cultural Identity: Reconciling Interpretive and Postcolonial Perspectives", In Tanno, D. V. & Gonzalez, A., ed., *Communication and Identity Across Cultures* (London: Sage Publication, 1997).
- Davis, O. I., Nakayama, T. K., Martin, J. N. (2000): Current and Future Directions in Ethnicity and Methodology. *International Journal of Intercultural Relations*, 24, pp. 525-539.
- Edmonds, B. The Use of Models-making MABS more Informative. (<http://www.cpm.mmu.ac.uk/~bruce>)
- Eidelson, R. J. & Lustick, I. S. (2001): National Identity Repertoires, Territory, and Globalization. INTERNET.
- Ellemers, N., Spears, R. & Doosje, B. (1997): Sticking Together or Falling Apart: In-Group Identification as a Psychological Determinant of Group Commitment Versus Individual Mobility. *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 72, No. 3, pp. 617-626.
- Ehler, K. A. & Deaux, K. (1994): Negotiating Social Identity When Contexts Change: Maintaining Identification and Responding to Threat. *Journal of Personality & Social Psychology*, Vol. 67, No. 2, 243-251.
- Flick, U., Introduction: social representations in knowledge and language as approaches to a psychology of the social. INTERNET.
- Freeman, S. F. (1998): The Problem Identity in Organizational Behavior and Human Decision Processes. INTERNET.
- Fu, H., Lee, S., Chiu, C. & Hong, Y. (1999): Setting the Frame of Mind for Social Identity. *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 23, No. 2, pp. 199-214.
- Gergen, K. J. & Davis, K. E. (1985): *The Social Construction of the Person*. Springer-Verlag, New York.
- Gilbert, N. & Troitzsch, K. (1999): *Simulation for Social Scientist*. Open University Press, Buckingham.
- Hale-Haniff, M., & Pasztor, A. (1999): Co-constructing Subjective Experience: A constructivist approach. INTERNET.
- Hardin, R. (1995): Self-interest, Group Identity. In Breton, A. & Galeotti, G. & Salmon, P. & Wintrobe, R. ed., *Nationalism and Rationality* (Cambridge: Cambridge University Press, 1995), pp. 14-42.
- Hardin, R. (2001): Identity: Social. In Smelser, N. J. & Baltes, P. B. ed., *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*. Elsevier Science Ltd.

- Heylighen, F. (1997): Epistemological Constructivism. INTERNET.
- Hogg, M. A. & Abrams, D. (1990): Self-Categorization and Social Identity. In Abrams, D., & Hogg, M. A., ed., *Social Identity Theory: Constructive and Critical Advances* (New York: Harvester Wheatsheaf, 1990), pp. 10-27.
- Howard, J. A. (2000): Social Psychology of Identities. *Annual Review of Sociology*, 26, pp. 367-393.
- Jackson, J. W. & Smith, E. R. (1999): Conceptualizing Social Identity: A New Framework and Evidence for the Impact of Different Dimensions. *Personality and Social Psychology Bulletin*, Vol. 25, No. 1, January, pp. 120-135.
- Jenkins, R. (1996): *Social Identity*. Routledge, London.
- Kowert, Paul & Legro, Jeffrey (1996): Norms, Identity, and Their Limits: A Theoretical Reprise. In Katzenstein, P. J., ed., *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics* (New York: Columbia University Press, 1996), pp. 451-497.
- Kupper, A. & Kupper, J. (1985): *The Social Science Encyclopedia*. Routledge, London.
- Kurashina, Y., *The Impact of Peacekeeping Participation on Professional Identity of the Japanese Self Defense Force Personnel*. INTERNET.
- Lawler, E. J. (1992): Affective Attachments to Nested Groups: A Choice-Process Theory. *American Sociological Review*, Vol. 57, June, pp. 327-339.
- Lea, M., & Rogers, P. (2000): Social Psychological Influence of ICT's on Society and their Policy Implications. INTERNET.
- Lcoussi, A. S. (2001): *Encyclopedia of Nationalism*. Transaction Publishers, New Jersey.
- Lobera, Josep R. (1999): Recent Theories of Nationalism. INTERNET.
- Lustick, I. S. (2000a): Agent-based Modelling of Collective Identity: Testing Constructivist Theory. *Journal of Artificial Societies and Social Simulation*, vol.3, no. 1 (<http://www.soc.surrey.ac.uk/JASSS/3/1/1.html>)
- Lustick, I. S. (2001): Identity Politics, Globalization Pressures, and Regime Performance in the Middle East: An Agent-Based Simulation and Analysis. INTERNET.
- Lustick, I. S. (2002): PS-I: A User-Friendly Agent-Based Modeling Platform for Testing Theories of Political Identity and Political Stability *Journal of Artificial Societies and Social Simulation* vol. 5, no. 3 (<http://jasss.soc.surrey.ac.uk/5/3/7.html>)
- Lustick, I. S. *User Manual for PS-I (Version 3.0)*. INTERNET.
- Lustick, I. S., *Globalization and the Resurgence of Identity Politics*. INTERNET.

- Lustick, I. S., Miodownik, D., Philbrick, S. S. (2000b): The Institutionalization of Identity: Micro Adaption, Macro Effects, and Collective Consequences. INTERNET.
- Marston, G. (2002): Fashion, fiction, fertile inquiry? Struggling with the postmodern challenge and social policy analysis. In Eardley, T. and Bradbury, B., ed., *Competing Visions: Refereed Proceedings of the National Social Policy Conference 2001*, SPRC Report 1/02, Social Policy Research Center, University of New South Wales, Sydney. 298-316.
- Mathews, G. (2000): *Global Culture/Individual Identity: Searching for home in the cultural supermarket*. Routledge, London.
- Mombeshora, S. (1990): The Salience of Ethnicity in Political Development: The Case of Zimbabwe. *International Sociology*, Vol. 5, No. 4, pp. 427-444.
- Moore, D. & Kimmerling, B. (1995): Individual Strategies of Adopting Collective Identities: The Israeli Case. *International Sociology*, Vol. 10, No. 4, pp. 387-407.
- Pham, T. B. & Harris, R. J. (2001): Acculturation Strategies among Vietnamese-Americans. *International Journal of Intercultural Relations*, 25, pp. 279-300.
- Piontkowski, U., Florack, A., Hoelker, P., & Obdrzalek, P. (2000): Predicting Acculturation Attitudes of Dominant and Non-dominant Groups. *International Journal of Intercultural Relations*, 24, pp. 1-26.
- Salazar, J. M. (1998): Social Identity and National Identity. In Worchel, S., Morales, J. F., Paez, D. & Deschamps, J., ed., *Social Identity: International Perspectives* (London: SAGE Publications, 1998), pp. 114-123.
- Shaffer, W. R. (1972): *Computer Simulation of Voting Behaviour*. Oxford University Press, New York.
- Steel, Miranda. (2000): OXFORD, *Wordpower*, dictionary for learners of English. Oxford University Press, Oxford.
- Stets, J.E. & Burke, P.J. (2000): Identity theory and social identity theory. *Social Psychology Quarterly*, Vol. 63, No. 3, pp. 224-237.
- Stryker, S. & Burke, P. J. (2000): The Past, Present, and Future of an Identity Theory. *Social Psychology Quarterly*, Vol. 63, No. 4, 284-297.
- Stryker, S. (1992) Identity Theory. In Borgatta, E. F. & Borgatta, M. L. ed., *Encyclopedia of Sociology* (New York: Macmillan Publishing Company, 1992): Vol. 2, pp. 871-876.
- Sykora, Peter (2002): Ethnicity as a kind of Imprinting: Sketch of a new Form-and-Content model. *DIALOGUE AND UNIVERSALISM* vol. XII, no.8-10, pp. 153-176. (Also in INTERNET)

- Tamiko Halualani, R. (2000): Rethinking "Ethnicity" as Structural-Cultural Project(s): Notes on the Interface between Cultural Studies and Intercultural Communication. *International Journal of Intercultural Relations*, 24, pp. 579-602.
- The Institutionalization of Identity: Micro Adaptation, Macro Effects, and Collective Consequences. INTERNET
- Ting-Toomey, S., Yee-Jung, K. K., Shapiro, R. B., Garcia, W., Wright, T. J., Oetzel J. G. (2000): Ethnic/Cultural Identity Salience and Conflict Styles in Four US Ethnic Groups. *International Journal of Intercultural Relations*, 24, pp. 47-81.
- Toulmin, S. (1999): The Ambiguities of Globalization. *Futures*, 31, pp. 905-912.
- Turner, E. T., Pratkanis, A. R., Probasco, P. & Leve, C. (1992): Threat, Cohesion, and Group Effectiveness: Testing a Social Identity Maintenance Perspective on Groupthink. *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 63, No. 5, pp. 781-796.
- Turner, J. H. (1998): *The Structure of Sociological Theory*. Wadsworth Publishing Company, Belmont, CA.
- Van Der Veen, A. M. (2001b): Identity, Interests & Conflict: An Evolutionary Model. INTERNET.
- Van der Veen, A. M., Lustick, I. S. & Miodownik, D. (2001a): Studying Performance and Learning With ABIR: The Effects of Knowledge, Mobilizing Agents, and Predictability. *Social Science Computer Review*, Vol. 19, No. 3, Fall, pp. 263-280.
- Van der Veen, M. A. & Lustick, I. S. (2001c): The Emergence of European Identity: An Agent-Based Modeling Approach. INTERNET.
- Weimann, G. (1994): *The influentials: People who influence people*. Albany, State University of New York Press.

مشخصات نویسنده

مسعود عالمی عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز و کارشناس دفتر همکاریهای فناوری ریاست جمهوری و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران است.